

## اصفهان

«قال النبي صلى الله عليه وآله أنا مدينة العلم وعلي بابها وانت منى بمنزلة هارون

من موسى» .

گنبد بقعه که در سال ۱۲۴۱ ( ۶-۱۸۲۵ م ) تعمیر شده بود مجدداً در سال ۱۳۳۸ ( ۲۰-۱۹۱۹ م ) توسط علی نامی تحت تعمیر قرار گرفته است .

بنابر این عجبالتاً چنین بنظر میرسد که بقعه هارون ولایت در دوره صفویه آرامگاه مرد بزرگ و پرهیزکاری که هویتش را ما نمی توانیم معلوم نمائیم ساخته شده است و بدینجهت موقه جز جنبه معماری از حیث دیگری نمیشود آنرا حائز اهمیت دانست . اهمیت آن خصوصاً از لحاظ زیبایی تزیینات کاشی کاری سر در سمت حیاط میباشد (شکل ۲۲ و ۲۴ اصل فرانسه) کاشیهای شفاف و زنده و مواج این سر در بطور قطع و یقین از شاهکار های صنعت ممتاز و ظریف کاشیکاری ایران بشمار میرود و گرچه از حیث ترکیب و ترتیب و جفت و جور بودن نسبت بکاشیهای سر در « درب امام » کمتر جالب نظر است لکن از لحاظ شیوایی کار برتری دارد و از این حیث فقط از مسجد کبود تبریز یعنی آنجائیکه صنعت مزبور بحد کمال خود رسیده عقب تر است .

مسجد علی<sup>۱</sup>

مسجد علی که در جوار مزار هارون ولایت واقع گشته مسجدی است که در

۱ - در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ( ۶ ژانویه ۱۹۳۲ ) در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است . فهرست مراجع : سفرنامه شوالیه شاردن . . . . . چاپ ل . لانگس جلد هفتم صفحه ۴۴۵ . کتاب مسافرت بایران ، ایران جدید نقشه ۶۳ . آثار صنعت معماری ایران تألیف ف . زاره صفحه ۷-۷۶ . معماری اسلامی ایران بقلم م . وان برخم در نامه دانشندان صفحه ۶۵ . مجله بنگاه امریکائی صنایع آثار باستان ایران شماره دسامبر ۱۹۳۴ صفحه ۳۰ . مقاله گنبد علویان و صنعت معماری اینخانی در ایران بقلم ا . هرتسفیلد در کتاب موسوم به مجلیدی از بررسیهای شرقی اهدائی به اندواریک . براون . . . . . کمبریج ۱۹۲۲ صفحه ۲۳۸ . سفرنامه ا . هرتسفیلد در مجله انجمن کشورهای سواحل شرقی بحر الروم ( Z.D.M.G. ) ۱۹۲۶ صفحه ۲۳۸ . عراق شرقی ایران تألیف ا . هوتوم شیندلر صفحه ۱۲۳ . مقاله رشد و تطور مناره بقلم ک . ا . س . کرسول در مجله برلینگتون شماره مارس و مه و ژوئن ۱۹۳۶ صفحه ۱۲ نسخه جداگانه . ایران و کلبه و عیلام تألیف ژ . دیولافوادر نامه گردش دور دنیا ششماه دوم صفحه ۱۶۴ . مقاله مناره های اصفهان بضم م . ب . سیتدر کتاب آثار ایران سال ۱۳۱۵ صفحه ۱۷۳-۱۶۸ و ۱۹۰ متن فارسی و صفحه ۷-۳۳۲ و ۳۶۴ متن فرانسه .

## آثار ایران

عهد صفویه پای مناره‌ای از دوره سلجوقیان بنا گردیده لکن وضع فعلی ابنیه مزبور مستلزم آن نیست که پیش از این نیز مسجد و منار این سان پیوسته بوده باشد. مناره‌های قدیم معمولاً از مساجد مجزی بوده و ممکن است منار علی به یکی از ابنیه‌ای که کم و بیش مربوط به مزار هارون ولایت بوده تعلق داشته و بنای مزبور در يك سمت کوچه یا در محل کوچه‌ای که امروزه مسجد علی را از مزار هارون ولایت جدا میکند واقع بوده است. حقیقت امر اینست که هیچگونه اطلاعی در دست نیست زیرا نه در مسجد علی و نه در بقعه هارون ولایت و نه در بناهای اطراف آن کمترین اثری از ساختمان قبل از دوره صفوی دیده نمیشود لکن قاعده بایستی مناره متعلق به مسجدی از عهد سلجوقیان باشد و داستان تناسب رسمی ساختمان مسجد علی به سلطان سنجر نیز کاملاً با سبک و شیوه ساختمان مناره تطبیق مینماید و بطوریکه در جزوه سابق آثار ایران دیده شد مناره مزبور را میتوان به ربع دوم قرن ششم هجری منسوب دانست<sup>۲</sup>.

اما راجع به مسجد کنونی، این بنا چه از حیث استادی و مهارتی که در ساختمان گنبد آن بکار رفته (شکل ۲۵ اصل فرانسه) و چه از حیث تناسب کامل و ظرافت آرایش و تزیینات سردر و نمای جانب گذر بنائی بسیار با شکوه است.

کتیبه سردر بخط ثلث با کاشی معرق سفید بر زمینه آبی حاشیه نوشته شده است:

« هذا مسجد من توجه الیه بالاحرام فقد ولی وجهه شطر المسجد الحرام اسمه »

« فی زمان من بیده مقالید الزمان السلطان بن السلطان الذی انزل الجمیل اسمه »

« بعدد الائمة علیهم السلام فی التنزیل ابی المظفر سلطان شاه اسمعیل خلد الله ظلّه الظلیل »

« مؤسس قواعد السلطنة سمي ثانی السبطین بکمال العدالة والاقبال میرزا حسین شاه ابدت »

« ظلال نصفته فی الخافقین ولما ورد فی الاخبار ان نعيم الدنيا مساجدها جاء تاریخ العمارة »

« جاؤها وفتحها ابوابها » .

۱ - سایر نقاط قابل ملاحظه این کوی یکی مسجد سنجریه است که کتیبه‌ای بحروف طلائی رنگ بنام شاه اسمعیل بزرگ در آنجا دیده میشود . . . . . ( نقل از ساردرن جلد هشتم صفحه ۱۰ ) .

۲ - اطلاعات مربوط به کتیبه‌های مناره‌های اصفهان بقلم ی . گسار در آثار ایران سال ۱۳۱۵ صفحه ۱۹۰ متن فارسی و صفحه ۳۶۴ متن فرانسه .

## اصفهان

کتیبه دیگری نیز بخط ثلث طلائی رنگ ریزتر در بالای کتیبه فوق و روی همان حاشیه دیده میشود و دوازده آیه قرآن مجید که نام اسمعیل در آن آیات برده شده در این کتیبه گنجانیده شده و در آخر آن این عبارت خوانده میشود: کتبه شمس الدین تبریزی.

در داخل شبستان بزرگ در زیر کنبد بر فراز هشت طاق رومی که بسیار عالی ساخته شده و کنبد روی آنها استوار گردیده حاشیه بزرگی است که ۱۳ آیه اول و چند کلمه از ابتدای آیه ۱۴ سوره اسراء (سوره ۱۷ قرآن مجید) را در بردارد آخر آن نوشته شده است: فی سنه تسع عشرین و تسعمائه.

بر روی لوحه سنگی که در پائین جرز صحن مسجد نصب گردیده دوازده فرد شعر نوشته شده و در اطراف آن سند جالب توجه ذیل مسطور است:

«در حینیکه از هند برسالت نزد شاه عالم پناه فلک بار گاه شاه عباس آمده بود»

«از ایروان در سنه ۱۰۱۳ مرخص شده بود باینجا رسید این چند بیت از خمسه که در راه»

«باتمام رسیده بود ثبت نمود، قایله وراقه محمد معصوم الحسینی الناهی».

منار ساربان<sup>۱</sup>

این مناره که یکی از زیباترین مناره های اصفهان است سابقاً مجاور مسجدی بوده که یکسر نابود و نا پدید گردیده و احتمال می رود که در اواسط قرن ششم هجری ساخته شده باشد.

بنای مزبور بتازگی توسط آقای م. ب. سمیث بر رسی شده است<sup>۱</sup>.

۱ - در تاریخ ۱۵ آذر ماه ۱۳۱۴ (۷ دسامبر ۱۹۳۵) در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است. مراجع اطلاعات در باره این منار: مقاله ایران و عیلام و کلمه در نامه دور دنیا سال ۱۸۸۶ شماره دوم صفحه ۱۵۲. عراق شرقی ایران تألیف ا. هوتوم، شیندلر صفحه ۱۲۳. کتاب ایران تألیف ا. دین نقشه ۳۵. مقاله مناره های اصفهان در آثار ایران سال ۱۳۱۵ صفحه ۵ - ۱۷۴ و ۱ - ۱۹۰ متن فارسی و صفحه ۱ - ۳۴۰ و ۵ - ۳۶۴ متن فرانسه.

اصفهان

سردر مسجد قطیبه<sup>۱</sup>

مسجد قطیبه که در زمان سلطنت شاه طهماسب ساخته شده اکنون بجز سردر ورود چیز دیگری از آن باقی نمانده و فعلاً در عقب سردر مسجد نوی ساخته اند. سردر مزبور از کاشیهائی تزیین یافته است که گرچه خوب محفوظ نمانده و لیکن هنوز خیلی زیبا است مخصوصاً بطور کامل مشخص دوره ایست که بهترین کتب مذهبکاری ایران را بوجود آورده است<sup>۲</sup>. دو کتیبه عمده بر این سردر دیده میشود یکی روی حاشیه بزرگ افقی و دیگری زیر رومی جلوطاق سردر جانب راست، حاشیه بزرگ از میان رفته تنها عبارات ذیل در دو طرف دیگر خوانده میشود:

«..... معصومین..... ایام دولة السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ظل الله»  
 «علی اهل الایمان ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الحسینی بهادر خان خلد الله تعالی ملکه»  
 «وسلطانه وافاض علی العالمین بره واحسانه الصاحب الاعظم الاکرم المستعین من الله»  
 «الملك الولی امیر قطب الدین علی الباب الدشتی فی شهر محرم سنة خمسين وتسعمائة»  
 کتب العبد ابو سعید الامامی بسعی شمس الدین محمد اصفهانی<sup>۳</sup>.

کتیبه دیگر<sup>۴</sup> که زیر رومی جلوطاق سردر نگاشته شده نیز تمام نیست و قسمت وسط حاشیه که کتیبه مزبور روی آن پرداخته شده ناپدید گردیده، این است عین عبارت کتیبه:

«چون توفیق الهی رفیق حال و کافل آمال اقل العباد قطب الدین<sup>۵</sup> باب الدشتی»  
 «شده خواست که از برای یوم المعاد ترتیب ذخیره مائده احسان نماید که از خان (خوان)،  
 «انعام آن مستحقین بهره مند گردند بنا بر این رقیبات معینه را وقف بر..... با طعام»

۱ - در تاریخ ۲۲ آذرماه ۱۳۱۳ (۱۳ دسامبر ۱۹۳۴) در نهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است. ۲ - بهزاد نقاش بزرگ در سال ۹۲۸ (۱۵۲۲ م.) بمدیریت کبابخانه شاه اسمعیل و ریاست تمام کبابداران و خوشنویسان و نقاشان و منقبکاران و نقشه کشان مرقع و زرگران و لاجورد سایان تعیین شد. در زمان شاه طهماسب نیز بهزاد امتیازات متعددی داشته و باسنتان محمد و آقامیرک در کبابخانه سلطنتی کار مکرر کرده است (ر. ایننگهساوزن مقاله بهزاد در دایرة المعارف اسلامی قسمت ضمیمه صفحه ۴۰).

۳ - بخط ثلث با کاشی معرق سفید بر زمینه آبی.

۴ - بزبان فارسی و خط ثلث با کاشی معرق سفید بر زمینه آبی.

۵ - مراد خود قطب الدین است.

## اصفهان

« فقراء و مساکین مترددین در آن صرف نمایند ، مقرر آنکه بعثت رسم الصدارة و «  
 « توزیعات و رقعات وقفی و مدد خرج نواب دیوان الصدارة و غیرهم طلبی از موقوفات »  
 « مزبور نمایند و زیاده از یکسال باجاره ندهند بعقد واحد و نه بعقود متعدده فمن بدله »  
 « بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ ائمه هو السميع العليم » .

این گونه سفارشها که ندرتاً بر روی بنای های تاریخی نوشته شده و برای پی بردن  
 بعادات آن زمان سود مند و جالب توجه میباشد نیازمند پاره توضیحات است .

در دوره صفویه در پایتخت ایران که آنموقع قزوین بوده ای ادار وجود داشت  
 که بر رأس آن یکی از رجال دین بنام صدر موقوفات قرار میگرفت ، برگزیدن  
 بجهت طراز اول شهرها و بخشها و حتی دهستانهای مهم برعهده این اداره بود .  
 دیگر از وظائف این اداره تصدی کارهای اوقاف و دادگستری و نظارت در خیرات  
 و مبرات و سایر وجوه مذهبی و همچنین رسیدگی بامور مدارس و سرکشی بکارهای  
 روحانیون عادی بود و در زیارتگاهها و همچنین از بابت وصایا مبلغی دریافت مینمود .  
 این سازمان بتوسط نادرشاه برچیده شد زیرا در آمد هائیکه بترتیب فوق اداره  
 میشد همانقسمی که قطب الدین نیز اشاره نموده بعنوان رسم الصدارة و توزیعات و  
 رقعات وقفی و مدد خرج نواب دیوان الصدارة و غیرهم . . . . . از بین میرفت و چیزی  
 برای انجام کارهائیکه منظور اصلی وقف کنندگان بود باقی نمیماند و برای اینکه  
 مستمندان و مستحقین و نیازمندان که در مسجد آمد و رفت دارند بتوانند قوت  
 لایموت خود را در آنجا بدست بیاورند قطب الدین بانی مسجد مزبور بر خلاف این  
 جریانات قیام و این نکته را بالصراحه بر سر در بنا نوشته و اعلام داشت :

بالای در در قسمت بالای طاق پنجره ای شبیه به پنجره ای که در نقطه نظیر آن در  
 « درب امام » و خاقان نصر آباد موجود است نصب گردیده و بسبب همانها کتیبه ای  
 در اطراف آن وجود دارد که باکاشی معرق سفید بر زمینه آبی نگاشته شده و مشتمل  
 بر درود و سلام بر حضرت رسول ص و دوازده امام ع میباشد .

## آثار ایران

اطراف در بقایای اشعاری است **که** در شان حضرت امیر  $\text{ع}$  سروده شده و بخط نستعلیق سفید برزمینه آبی مرقوم رفته است .

در قسمت بالای بدنه های کاشیکاری که زینت بخش جنبین راست و چپ در میباشد دو فرد شعر سعدی بشرح ذیل نوشته شده است :

غرض نقشیست **که** ما بازماند

**که** هستی را نمی بینم بقائنی

مگر صاحبدلی روزی برحمت

کند در حق این مسکین دعائنی

دویست فوق که با اختلاف فرد دوم عیناً در « درب امام » نیز نگاشته شده این نکته را مسلم میسازد که معمار سر در مسجد قطیبه سبک سر در « دوپ امام » را که بنام جهانشاه است پسندیده و آنرا مورد تحسین و ستایش قرار داده به حدیکه برای تزیین سر در مسجد قطیبه از آن سر در پیروی و تقلید نموده است .

مسجد درب جو باره<sup>۱</sup>

در گذر کوچکی از کوی جهودان مسجد محقر و ساده ای است که غالباً آن را مسجد جو باره گفته گاهی نیز مسجد پیر پینه دوز<sup>۲</sup> میخوانند . هیچ چیزی که مؤید و مصدق اسم دومی باشد نه در خود بنا و نه در کتیبه های آن دیده نمیشود، اما میگویند در قرن اخیر شخص مقدسی که شغلش سراجی بوده در آن مسجد رحل اقامت افکنده و سالها در آنجا زیست نموده است .

خود بنا دارای هیچگونه اهمیت معماری نیست و لکن سر در آن که نسبتاً محکم ساخته شده از کتیبه های جالب دقتی تزیین یافته است که بنام محمد علی نام مهتر میباشد و این محمد علی مهتر مسلماً میر آخور نواب بهرام میرزا برادر شاه ظهاسب بوده است ، متن کتیبه های سر در مزبور بقرار ذیل است :

« تیمنا باسمه سبحانه قد تشریف یناء هذا المسجد الموسس البیان علی تقوی من الله »

« و رضوا ه فی ایام دولة السلطان سلاطین الزمان و خاقان خواقین الدوران المتمکن علی »

۱ - در ناربع ۱۲ اسفند ماه ۱۳۱۵ (۳ مارس ۱۹۳۷) در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است .

۲ - کلمه بر درسلک صوفیان بمعنی شیخ و مرشد میباشد .

## اصفهان

«سریر و مستند العدل والاحسان السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب الحسينی»  
 «بهادر خان خلدالله تعالی سلطنته فی ظل الامن و الامان من ابتناء رسم الخدمه علی اهل»  
 «الایمان نواب الکامران الکثور ستان امیر ابوالفتح بهرام میرزا الحسينی خلدالله»  
 «ظله من خالص ماله مقرّب الحضرت مهتر محمد علی رکاب دار توّاب المشار الیه»  
 «و هو من اعیان الاصفهان کتبه شیخ محمد بن خالد معلّم سنه ۹۵۵» .

چون قرائت و تشخیص کلمات این کتیبه بی اندازه مشکل است (شکل ۲۸ اصل فرانسه) لذا از صحت کامل استنساخ و ترجمه آن اطمینان نداریم.  
 چهار بیت شعر ذیل در هشت سطر زیب دو لوحه کاشی طرفین سردر مزبور است.

در ایام شاهی طهماسب شاه  
 که در عهد او عدل انشاء شده  
 که صیت عدالت از آن شاه دین  
 ز تخت تری تاثیریا شده  
 ز مهتر محمد علی خالصا  
 لوجه الله این مسجد احیا شده  
 کرش سال تاریخ خواهی بگو  
 ز اقبال بهرام میرزا شده

مصراع آخر ماده تاریخ بنا است و مجموع ارقام حروف آن ۹۵۶ هجری میشود.  
 بنا بر این مسجد «درب جو باره» بنائی است که در سالهای ۹۵۵ و ۹۵۶ هجری  
 بجای يك مسجد قدیمی تری ساخته شده است.

عالی قاپو<sup>۲</sup>

چون به ترتیب تاریخ در این کتاب پیش میرویم اینک به زمان سلطنت شاه

۱ - بهرام میرزا برادر شاه طهماسب سن ۳۳<sup>۶</sup> سالگی در سنه ۹۵۷ هجری وفات یافت .  
 ۲ - در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ( ۶ ژانویه ۱۹۳۲ ) در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است  
 فهرست مراجع = مقاله اصفهان در زمان شاهان بزرگک بقم ۱ . بدون درجمله اوربانسم شماره  
 ۱۰ در نقشهها صفحه ۲۹ . کتاب شاه عباس اول تألیف ل ، بلان صفحه ۷۵ . کتاب یکسال در میان  
 ایرانیان تألیف ا . گک . براون صفحه ۲۱۴ . سفرنامه شوالیه شاردن چاپ ل . لانکس جلد هفتم .  
 (بقیه در ذیل صفحه ۵۷)

## آثار ایران

عباس میرسیم . این دوره برای اصفهان بزرگترین ادوار است و بیشتر از سایر اعصار مورد ستایش بوده است .

در آن زمان اصفهان پایتخت ایران بود و بنا بگفته مسافری آن دوران از پانصد تا ششصد هزار جمعیت داشته است و میدانها و خیابانها و باغها و پارکها همه بفرمان شاه عباس و تحت نظر و مراقبت شخص او ساخته میشد . هنگامیکه هنوز از ورسای صحبتی نبوده و در شهری چون پاریس ازدحام جمعیت در خیابان سن مارتین مایه اشتهاور آن بود اصفهان معتبرترین و سحر انگیزترین و باشکوه ترین شهر های دنیا بشمار میآمد . کتابهای پیترود و لاواله و الئاریوس و شاردن و شرلی و کرپرتر را بخوانید و حتی تاورنیه آن کهن سال کج خوی که اصفهان را جز دهکده بزرگ و کثیف چیز دیگری ندیده و از پذیرائی شایانی که در کاخ چهارستون از سفیران شده در شگفت بوده کتاب او را نیز بخوانید و همچنین کتابهای تازه تر چون فلاندن و کوست و تکسیه و گوینو و لوتی و دیولافوا و آثار آنهمه نویسندگان دیگر همه را بگیرد و ببیند تمام این جهانگردان و مورخین زیبایی اصفهانرا از پرتو وجود شاه عباس میدانند و در اینجا نیز همین مطلب را مانند دیگران با کمال صداقت اظهار میداریم و ضمناً بی مناسبت بنظر نمیرسد قضیه ای را که روزی در ایوان بزرگ عالی قاپی شنیده ام نقل کنم . نزدیک مغرب

(بقیه از ذیل صفحه ۵۶)

صفحات ۳۶۸ و ۳۸۶ . رساله نقاشی عهد صفوی در اصفهان کاخ عالی قاپی تألیف ژ . داردیان وس . سنلینگ میشو . مقاله ایران و کلد و عیلام بقم ژ . دیولافوا در مجله دور دنیا سال ۱۸۸۶ ششماه دوم صفحه ۱۴۶ . کتاب مسافرت بایران . ایران نو تألیف ا . فلاندن و پ . کوست نقشه ۵۴ . سفرنامه ایران تألیف . فلاندن جلد اول صفحه ۳۴۹ . کتاب صنعت اسلامی تألیف ه . گنوک و ا . دیز شکل ۳۰۱ صفحه ۳۵۰ . کتاب مسافرت بگرجستان و ایران و ارمنستان و بابل قدیم و غیره تألیف کرپرتر جلد اول از صفحه ۴۳۳ بعد . رساله صنعت اسلامی تألیف گت . میژون جلد اول صفحه ۱۹۲ . سفر نامه ادم اولئاریوس . . . . . ترجمه ا . دوویکفور جلد اول صفحه ۵۳۱ . کتاب در آسیای اسلامی تألیف م . پرنو صفحه ۱۰۳ . مسافرتهای پیترود و لاواله چاپ پاریس سال ۱۶۶۴ جلد دوم صفحه ۴۱ و ۴۶-۵۰ و ۷۰-۷۹ . رساله صنعت اسلامی تألیف ه . سالادن جلد دوم صفحه ۸ - ۳۸۶ . کتاب آثار ساختمانی ایرانی تألیف ف . زاره صفحه ۸۳ . تاریخ ایران تألیف سایکس جلد دوم صفحه ۱۹۹ . شرح شش مسافرت ژ . ب تاورنیه چاپ پاریس سال ۱۶۷۹ صفحات ۴۴۳ و ۴۴۵ و ۴۷۵ . مسافرت آقای دوتونوالوان به کشورهای شرقی بحرالروم چاپ آمستردام ۱۷۲۷ جلد سوم صفحه ۳ - ۲۷۲ .



## اصفهان

بود که گنبد مسجد شاه را تماشا میکردم و میدیدم که گنبد نخست از رنگ آبی به قفائی و سپس برنگ خاکستری شب تغییر یافت .

شاه عباس پادشاه کم حوصله‌ای بود، و وقتی که تصمیم باحداث مسجد شاه گرفت بهترین استاد معمار اصفهانرا طلبیده و اوامر لازم بوی داد، بنا بسرعت بالا رفته تا پهای طاقهای بزرگی که گنبد عظیم مسجد اکنون بر فراز آنها استوار گشته است رسید و پس از آن کار ساختمان ناگهان متوقف گشت . استاد معمار بعرض شاه رسانید که اکنون بایستی بنا را تا پنج سال بحال خود گذارد و پس از گذشتن این مدت ممکن است دوباره دست بکار شده ساختمان مسجد را ادامه داد و در غیر اینصورت بایستی تکانه‌ها و شکافهای خطیری را در بنا انتظار داشت . شاه عباس ابدأ حاضر بشنیدن این صحبت نشد . استاد معمار نیز کرنش نموده و از حضور شاه بیرون آمد و فردای آن روز زنجیری بر داشته باندازه بلندی دیوار مسجد آن زنجیر را با حضور شهود قطع نمود تا درباره طول زنجیر شبهه‌ای نباشد و بعد زنجیر را در محلی نهاد و در آنرا بست و همه حاضرین در راهرو موم کردند، آنگاه استاد معمار از نظر ناپدید شد، فرمان شاه در تمام کشور ویراجستجو کردند و گفتگوی دریدن شکم و بریدن سرش در میان بود، گاهی نیز صحبت از عفو و پاداش او میشد و لکن بهیچوجه استادرا پیدا نکردند . پنج سال از این مطلب گذشت ، روزی استاد را در لباس کار دیدند که بازمایش دیوارهای مسجد اشتغال داشت، فوراً او را بحضور شاه آوردند و گفتگوی پاره کردن شکمش از نو بمیان آمد و لکن استاد استدعا کرد زنجیر را از محل خود بیرون آورده و طول آنرا با بلندی دیوار مسجد پس از پنج سال مقایسه نمایند . در نتیجه این عمل دیدند زنجیر نیم متر بلندتر است و دیوارها تا آنوقت نیم متر نشست کرده بود، استادرا بخشودند و کارهای ساختمانی دوباره براه افتاد .

طبیعی است که این داستان جز قصه‌ای که در آخر روز پس از ختم کار برای سرگرمی نقل میشود چیز دیگری نیست و لکن اصل آن ناشی از عجله‌ای بود که شاه عباس در بناهای خود از معماران خویش انتظار داشت . این است نکته‌ای که مایه انتقاد معماری عصر وی شده است . اداره باستانشناسی ایران دو سال مشغول انجام عملیات

## آثار ایران

ساختمانی بجهت استحکام و تعمیر ایوان بزرگ مسجد شاه بود. ایوان نامبرده بر اثر محکم نبودن شالوده اش شکاف برداشته بود، ایوان شرقی مسجد نیز بهمین علت از بالا تا پائین شکاف خورده و ترك برداشته است، رواقات مسجد شیخ لطف الله از بین رفته است. ساختمانهای میدان شاه را بکلی از نو میسازند، جهلستون کاخ تکان خورده ایست، از مسجد مقصودبک که در واقع گوهر شاهواری بشمار میرود ویرانه‌ای پیش بجا نمانده، پل آله وردیخان از هر سمت شکستگی پیدا کرده است.

آثار زمان شاه عباس از بناهای ویران عهد سلجوقی نیز خرابتر است در صورتیکه آثار سلجوقی متعلق به پانصد سال قبل از زمان شاه عباس است.

از طرف دیگر معرق کاریهای زیبایی که هنوز شهر اصفهان نمونه های عالی آنرا در «درب امام» و سردر شیخ امیر مسعود و هارون ولایت و مسجد علی دارا میباشد تقریباً بکلی در زمان سلطنت شاه عباس از بین رفت زیرا کار معرق طولانی و آهسته بوده و شاه عباس در اتمام ابنیه شتاب داشت و در نتیجه بجای روکارهای نفیس ادوار سابق خشتهای کاشی هفت رنگ بکار بردند. با اینکه ابنیه ابتدای سلطنت این پادشاه چون مسجد مقصودبک (۱۰۱۰ هجری) و مسجد شیخ لطف الله (۱۰۱۱ هجری) و سردر قیصریه و حتی سردر مسجد شاه (۱۰۲۵ هجری) با معرق کاری مجلل باشکوهی پوشانیده شده است، رو کار داخلی مسجد شاه تقریباً بالتمام از خشتهای کاشی هفت رنگ است، از این تاریخ بعد این طرز کاشیکاری تقریباً بطور مطلق عمومیت یافت.

تاریخ صنعت را مانند تاریخ هر چیز دیگر که نخست بوجود آمده چندی زندگانی کرده سپس میمیرد و یا نابود میشود ممکن است بوسیله خطوط منحنی که بالا میرود و باوج بلندی رسیده و بعد سرازیر میگردد نمایانده و بلندترین نقطه صعود درست نقطه شروع انحطاط و نزن است

آیا میتوانیم جرأت نموده بگوئیم که دوره شاه عباس با ملاحظه تمام جهات همان اعلی نقطه ترقی صنعت معماری ایران است بدین معنی که این صنعت در این دوره از حیث وسعت و بلندی نظر و عظمت مظاهر آن بذروه کمال خود رسید و آغاز انحطاط آن

نیز در همان عصر شاه عباس بود .

شاه عباس اصفهانرا پایتخت خود نمود باین دلیل که محل آنرا بر شهر قزوین ترجیح میداد و این دلیل هم کافی است و بعلاوه خیلی پیش از آنکه مقرر فرمانروائی خود را بدانجا منتقل سازد در شهر مزبور باغ وسیعی داشت که نامش نقش جهان بود و این باغ قبلاً نیز به شاه طهماسب تعلق داشته و در کنار میدانش که بعداً میدان شاه اصفهان گردید عمارت کوچکی از عهد تیموریان باقی بود . شاه دوست داشت در این عمارت اقامت نماید، جشنها و شادبهای نوروز سال ۱۰۰۶ هجری (۱۵۹۸ م.) را در این عمارت بر پا کرد و بلافاصله پس از آن بنا بر گفته بلان « به توسعه و آرایش آن پرداخت تا احتیاجات ویرا از حیث حرم سرای سلطنتی و جایگاه کماشتگان خاص و دفتر و درباریان . . . . . تأمین نماید »<sup>۱</sup> . شاه عباس « در طول مدت چندین سال که ساختمان قصرش طول کشید تا موقع اتمام آن در قصر کهنه در دشت مسکن گزید و قصر مزبور بسیار بزرگ و قدیمی بوده و چون به میرشکار تعلق داشت آنرا خانه سگها مینامیدند »<sup>۲</sup> . در طول این مدت بر عمارت دوره تیموری سه طبقه افزودند و ساختمانهایی بر قسمت جلو آن اضافه کردند که ایوان معروف بر روی آن قرار دارد و در همان موقع بناهای خصوصی شاه نیز در درون باغها ساخته شد . پس از آن دیوانخانه و دفترهای مخصوص در بنای بلند نامبرده که عالی قاپی یعنی سردر اصلی قصر نامیده شد قرار گرفت . شاه عباس طبقات بالا را برای کارهای شخصی خود نگاهداشت ، اندرون مستقیماً از در دشت به کاخ نو انتقال یافت .

شاردن میگوید که « سردر بزرگ رو به میدان شاه واقع گشته و آنرا عالی قاپی میگفتند و معنای این کلمه در بلند یا در مقدس است و برخلاف آنچه که بعضی بواسطه قرابت لفظ علی با عالی تصور میکنند علی قاپی است صحیح آن عالی قاپی است ، تمام آن از سنگ سماق ساخته شده و خیلی مرتفع است ، آستانه اش نیز از سنگ سماق سبز

۱ - کتاب شاه عباس اول تألیف ل . ل . بلان صفحه ۷۵ .

۲ - جلد هفتم شاردن صفحه ۴۷۸ .

## آثار ایران

رنگ ساخته شده و ۵ و یا ۶ بند انگشت بلند و بشکل نیم دایره می باشد، مردم ایران آنرا مانند شی مقدس تکریم میکنند و هر کس روی آن پا بگذارد مجازات میشود و بهمین جهت باید با قدم بلند از روی آن گذشت. تمام در بهمین ترتیب مقدس و متبرک است و کسانی که مورد لطف و عنایت شاه واقع میشوند این در را با آئین مخصوص بوسیده پای خود را بر زمین میگذرانند و جلو در میایستند و با صدای بلند دعا کرده از باری تعالی عزت و شوکت شاه را مسئلت مینمایند. شاه نیز برای احترام هرگز با اسب از آن عبور نمیکند. جلو در بفاصله پنج پا شش قدمی سردر و تالار بزرگ واقع است که در یکی از آنها رئیس دیوانخانه بر مسند دادگستری نشسته و عرایض مردم را که به پیشگاه پادشاه تقدیم میشود بعرض میرساند و در تالار دیگر دفتر خوانسالار و حاجب دربار است که در ایران او را رئیس دربانها ( قاپوچی باشی ) مینامند. نزدیک این دو تالار دو اطاق کوچکتر هست که آنرا پاسگاه ( قراولخانه ) مینامند زیرا برای پاسداران ساخته شده است. . . . . این سردر پناهگاه مقدسی است که مصون از تعرض است و جز خود پادشاه دیگری قدرت ندارد کسی را که در آنجا بست بنشیند خارج نماید ۱ .

حتی پس از آنکه کاخ وسعت یافت و بر عمارات آن افزوده شد باز هم شاه اغلب اوقات خویش را در عالی قاپو میگذرانید و آنجا بیشتر رغبت داشت. در عالی قاپو بکارهای خود رسیدگی میکرد، اشخاص را در آنجا میپذیرفت، غذای خود را نیز بیشتر در آنجا صرف مینمود و از فراز این سردر باشکوه بتماشای رفت و آمد و فعالیتی که از بام تا شام در میدان حکمفرما بود خود را سرگرم میداشت .

پیترو دولاواله که هنگام سلطنت شاه عباس مدت مدیدی در اصفهان توقف نموده بود

## اصفهان

بطور صریح به سردر و قصریکه شاه در آنجا اقامت میکند اشاره نموده است ۱ و کمی بعد از ذکر این مطلب برای مخاطب خود دو شی قابل توجهی را که در اصفهان مشاهده نموده بدین مضمون شرح میدهد: « یکی از این دوشی برج معروف بشاخ است » ( مناره کله . م . ) از بالا تا پائین از کله بزهای کوهی و حیوانات غیر اهلی دیگری ساخته شده، این شکارها را یکی از شاهان و یا یکی از خویشان وی در ضمن شکار جگر که گرفته و کشته است . . . . . ۲ . دوم نخستین تالار قصر سلطنتی است که شاه معمولاً سفرا و مهمانان را در آنجا بحضور میپذیرد و ایشان را در آنجا دعوت بمهمانی کرده و با هم صرف غذا میکنند و صحبت میدارند . اینکه میگویم نخستین عمارت قصر سلطنتی علت آنست که محل سکنای فعلی شاه دور بوده است و در ته باغ واقع شد، و بنا بر عادات و رسوم شاهان خاور زمین بندرت کسی در آنجا داخل میشود لکن در میدان بزرگ شاه برفراز سردر ورودی عمارتی است شبیه به کلاه فرنگی ( این سردر باندازه ای مورد احترام و تکریم مردم میباشد که نه تنها کسی جرأت ندارد پای خود را روی پله چوبی که در آن جای دارد و تختصری بلند است بگذارد بلکه برخلاف در بعضی موارد آنرا چون چیز مقدس و گرانبهای میبوسند . . . . این عمارت برای کارهایی که برای شما شرح دادم اختصاص داده شده است و هنگامیکه شاه بخواهد بآنجا برود با اسب از کوچه بزرگی میگذرد، دو سمت آن دیوارهای بسیار بلندی کشیده شده و به در ورودی عمارت مسکونی شاه منتهی میگردد . . . . . بوسیله پلکان کوچکی بمسئلهای مختلفه این بنا بالا میروند . . . . و روی این عمارت طبقات مختلفی است ، در هر طبقه يك تالار كوچك در وسط و اطرافها و دهلیزهای كوچك متعدد در اطراف آن وجود دارد . در سمت میدان ایوانهایی با سلو بیکیه مخصوص خود این بناست ساخته شده، در این ایوانها روی تختها مینشینند و منظره اطراف را مینگرند، بقدری این بنا دارای قسمتهای گوناگون

۱ - پینرود و لاوله جلد دوم صفحه ۴۱ .

۲ - این برج شاخ اکنون وجود ندارد و برای کسب اطلاع راجع بان بکتاب ایران تألیف دو بو صفحه ۲۰ نقشه ۴۲ رجوع شود .

## آثار ایران

واطاقهای کوچک فراوان است و باندازه‌ای راه روهای متعدد برای رفتن از يك قسمت به قسمت دیگر دارد که دربانها اطمینان میدادند این بنا پانصد در داشته است ولی این درها نیز مانند باقی درها کوچک بوده است .

زیبائی این عمارت بواسطه دیوارهای آنست که از بالاترین زرین بوده و با مذهب کاریهای بسیار اعلی و رنگارنگ تزیین یافته است و در میان این زر و نقش و نگار گاهی قسمتی از دیوار ملاحظه میشود که سفید مانده و قسمتهای دیگر بنقوش خاکستری آراسته شده و منظره زیبائی بوجود آورده است . . . . . سقف‌ها نیز تماماً زرین و رنگارنگ است لکن اینهمه گچ بری و نقوش برجسته زیبا و خانه‌های گوناگون ابتدا درهم و برهم و بی نظم نیست و بهمین دلیل بی اغراق میتوان گفت زیباتر از این چیزی نمیشود باشد . . . . . روی دیوارهای اطاقها بفاصله‌های مختلف طاقچه‌های چهار گوش توخالی احداث و در داخل آنها اشکال و صوری چند رسم کرده اند و چون نمیتوانسته اند مانند ما داستانها و افسانه‌هایی را نقاشی کنند درون تمام این طاقچه‌ها تصاویری از مرد و زن منفرد یا باهم بوضع شهوانی و مستهجنی ترسیم شده، در بین آنها اشکالی دیده میشود ایستاده صراحی در دست و جام می در کف، برخی از نشئه شراب بخواب فرو رفته و بعضی در حال "سکر" سنگین بزمین افتاده و دیگری گرم میگساری و نزدیک است از خود بیخود و مست شود و بهمین ترتیب حالات دیگری را نگاشته اند که جز اتحاد کامل با کوس و زهره (رب النوع خمر و ربه النوع عشق و جمال) چیز دیگری را نشان نمیدهد، در بین این اشکال که تقریباً تمام به لباس ایرانی کشیده شده عده دیگری دیده میشود که کلاه اروپائی بر سر دارند و بعقیده خودشان این اشخاص عیسوی میباشند و ایشانرا فرنگی میخوانند، بتصور من مقصود از این اشکال ظاهر ساختن این امر است که در مستی و باده نوشی تنها نیستند» ۱ .

این توصیف کاملاً درست بوده و تمام کیفیات فوق امروزه نیز مشهود است

۱ - پیترو دولاوله جلد دوم صفحه ۵۰ - ۴۶ .

## اصفهان

بجز اینکه در باره تصاویر باید گفت پیترو دولاوله زهد فروشی کرده و آن اندازه  
 صکه وی مدعی است این اشکال خلاف عفت و سبک نیست و در حال حاضر چون  
 نقاشیها روی گچ شده و عموماً نزدیک زمین است خیلی خرابی و آسیب دیده است .  
 ضمناً باید در نظر داشت که نقوش شاپو بر سر همه متعلق بزمان شاه عباس اول نیست  
 زیرا در کتاب تاورنیه مطلب مهم ذیل ملاحظه میشود: «تالار» چون سالن بزرگی است  
 که بطور خروجی کنار در جلو قصر بار تفاع طبقه اول ساخته شده و ستونهای متعدد  
 سقف آنرا که از شاخ و برگهای زرین و لاجوردین تزیین یافته نگاه میدارد و در وسط  
 آن يك نوع آبگیر یا حوضی است که آب بوسیله ماشین بآن میرسد . این تالار از سه  
 طرف باز است، طول آن طرف میدان واقع گشته و در جهت مقابل آن که مسدود  
 میباشد بر دیوارها و درون طاقچه ها صورت چند نفر انگلیسی و هلندی و عده زیادی  
 مرد و زن دیده میشود که ساغر و تنک بدست داشته و وضع کسانی را دارند صکه  
 بیکدیگر باده مینوشانند، این نقوش با اشاره شاه عباس ثانی و توسط یک نفر هلندی کشیده  
 شده است ، ۱ .

با وجود این مراتب بطوریکه ذکر شد پیترو دولاوله بالاخص از اطاقهای  
 کوچکی صحبت میدارد که در قسمت علیای عالی قاپو بوده است و بزحمت از تالاری  
 که موضوع سخن تاورنیه بوده و شرح آن گذشت اسمی برده است، نسبت باین تالار  
 (مقصود ایوان بزرگ عالی قاپو است) شاردن علاقه مخصوصی نشان داده و چنین  
 گفته است: «نخستین و معظمترین درهای کاخ دری است که آنرا در بلند یا باشکوه  
 (عالی قاپو) مینامند و مقصود همین سر در عظیم است . . . . . که برفراز آن ایوان  
 جلال واقع گشته . . . . . این ایوان بقدری مرتفع است که اگر کسی از آنجا بمیدان  
 نگاه کند مردم راهگذر را نمیشناسد و بنظر نمیآید که رهگذران میدان دو پا داشته  
 باشند . سقف این ایوان زیبا بر روی سه ردیف ستونهای بلند استوار گشته و در میانش  
 حوضی از سنگ یشم با سه فواره جلوه گر است . برای رسانیدن آب بفواره ها بایستی

## آثار ایران

گوان سه چرخ را بحرکت آورند هر يك از این سه چرخ در يك طبقه و روی هم کار گذاشته شده، دیدن فواره های آب در چنین مکان مرتفعی حقیقهٔ مایه تعجب است، در باره سقف و ستونهای زیبای آن و فاب بندی و کف سازی این تالار عالی صحبتی نمیکنم.....»<sup>۱</sup>

در همین ایوان بود که اغلب شاه عباس بار میداد و از فراز همین صفا بلند در جشنها و شادیهای که در میدان برپا میشد شرکت میجست و بتماشای مسابقه ها و چوگان بازی و تیر اندازی پیرندگان و رسیدن سفراء، سان و بازدید قسمت های ارتش اشتغال میورزید. میتوان گفت کاخ چهلستون که مخصوص پذیرائی رسمی ساخته شده بود دیر آماده گردید لذا شاه عباس بعادت دیرین خود ایوان و تالار عالی قاپورا پیوسته مورد استفاده قرار میداد و عدلت نداشت جانشینانش در این قسمت از او پیروی نمایند معذلك تالار عالی قاپورا بعادت موقعیت دلپسندش همیشه ترجیح میدادند. شاردن هنگام سلطنت شاه سلیمان جانشین سوم شاه عباس ترتیب پذیرائی یکی از سفراء کبار مسکورا در عالی قاپو بتفصیل ذکر کرده و چنین نقل مینماید:

«تالاری که بجهت بار آماده شده بود همان ایوان زیبا و وسیعی است که بر فراز سردر بزرگ قصر ساخته اند و در میان تالار هائیکه از این نوع در دنیا دیده ام این تالار از همه زیباتر است. این تالار بقدری بلند است که چون از آنجا میدان را تماشا کنند مردم یلندی دوپا بنظر آیند و هر گاه بر خلاف از میدان بتالار نگاه کنند کسانی که بالا هستند شناخته نمیشوند..... شاه در ساعت نه بدانجا وارد شد و تمام درباریان که شماره ایشان بیش از سیصد بود حضور داشتند، در اینموقع سفیر لژیکی (داغستان) از گوشه شرقی میدان وارد شد..... سفیر مسکو یکربع ساعت بعد پیدا شد و از همان گوشه داخل میدان گردید..... فرستاده بصره نیز بعد از او آمد..... هدایای سفرای مزبور در انتهای میدان نزدیک مسجد شاه قرار گرفته بود. این محل پیوسته بار انداز هدایا بوده و موقعیکه شاه در ایوان بزرگ عالی قاپو باز میدهد هدایا را از همین نقطه حرکت میدهند.

۱ - شاردن صفحه ۳۸۶.



## اصفهان

مقدسین میگویند اینکه هدایا را از جانب شرقی میدان آورده از جلو مسجد شاه عبور میدهند میخواهند از این رهگذر گواهی دهند که 'معطی' کُل خداست، خداست که سرچشمه فیاض و بخشنده همه نعمتهای دنیوی بوده و آنچه انسان بدست آورد عطیه پروردگار است . . . . . بمحض اینکه هدایا را از میدان عبور دادند 'د' هلهها و سرناها و اسباب و ادوات دیگر بصدا درآمد و مقصود از این ساز و نواز اعلام آغاز بازیها و رزجوتیها بود و در همان هنگام کشتیگیران و زورآوران و شمشیربازان درهم آویخته، ددبانان و درندگان را به نرگاوهای کم سالی که نزدیک نگاه داشته بودند رها کردند و کسانی که قوچها و گاوها را برای جنگ پرورش داده بودند این حیوانات را بجان هم انداختند . . . . . تماشای این قبیل مبارزات تا ساعت یازده بطول انجامید و کارهای بعد بیشتر سرگرم کننده و طبیعی بود، نخست تقریباً سیصد سوار آراسته با لباس بسیار فاخر و زیبا از چهار سمت میدان پدیدار شدند، این سواران اغلب جوانان نامدار درباری و هر يك دارای اسبهای یدکی زیادی بودند و مدت يك ساعت بازی گوی و چوگان اشتغال داشتند . . . . . ۱

. . . . . تماشای دومی موضوع نیزه پرانها بود، این اشخاص را جرید باز مینامند یعنی کسانی که بازی نیزه میکنند . . . . . ۳۰ (شاه) اوقات خود را بدیدن بازیها و جنگها و مشقهایی که در میدان اجرا میشد و بشنیدن ساز و نوازی که در داخل تالار بهترین آوازخوانها و نوازندگان وی ترتیب میدادند و همچنین بصحبت با بزرگان کشور که در مجلس او بودند به اکل و شرب میگذرانید ۳ .

پس از انقراض سلسله صفویه عالی قاپو چون سایر ابنیه سلطنتی اصفهان متروک و به امان خدا سپرده شد تا اینکه ظل السلطان حکمران اصفهان هنگام سلطنت برادرش مظفرالدین شاه بنای مزبور را مسکن خود قرارداد .

۱ - پس از این قسمت بشرح کیفیت این بازی پرداخته که از موضوع صحبت ما خا

۲ - ایضا بشرح بازی نیزه پرداخته است .

۳ - شاردن جلد سوم صفحه ۱۷۵ بعد .

## آثار ایران

بنای تاریخی نامبرده که یکی از زیباترین و عجیب ترین ابنیه شاه عباس محسوب است و مدتی نیز محل اداره شهرداری اصفهان بوده اکنون بصورت خوبی نگهداری میشود و لکن مورد استفاده قرار نگرفته است، گاهگاهی که مانند ازمنه سابق اعیان و جشنهایی در میدان داده میشود این بنا کیفیت قدیمی خود را از لحاظ محل پذیرائی و جایگاه رسمی دوباره پیدا میکند و لکن دیگر چوگان بازی یا تیراندازی در آنجا دیده نمیشود، در داخل میدان نیز فعلاً باغ ملی احداث شده است.

چهار باغ<sup>۱</sup>

اسکندر مثنی در تاریخ عالم آرا گفته است که طرح ریزی خیابان چهارباغ و درختکاری و تزیین آن و احداث ابنیه باشکوه زیادی در اطرافش بامر شاه عباس و تحت نظارت و مراقبت شخصی وی در سال یازدهم سلطنتش که مصادف با سنه ۱۰۰۶ هجری (۱۵۹۸ میلادی) بوده انجام گرفته است.<sup>۲</sup>

۱ - تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ( ۶ ژانویه ۱۹۳۲ ) در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است . فهرست کتب و مراجع مربوط باین بنا : کتاب شاه عباس اول تألیف ل . ل . بلان صفحه ۶-۷۵ ، یکسال میان ایرانیان تألیف ا . گک . براون صفحه ۲۱۴ ، سفر نامه شاردن چاپ ل . لانگلس جلد هفتم صفحه ۳۰-۲۱ ، کتاب مسافرت بایران ، ایران جدید تألیف ا . فلاندرن و ب . کوست نقشه ۶۱ ، سفر نامه ایران تألیف ا . فلاندرن جلد اول صفحه ۲۸۶ ، سه سال در آسیا تألیف گوپینو جلد اول صفحه ۲۲۸ ، ایران در گذشته و حال تألیف و . چکن صفحه ۲۶۸ ( *Amaenitates exoticae* ) تألیف کمبفر صفحه ۱۷۳ ، بسوی اصفهان تألیف ب . لوتی صفحه ۲۱۶ ، سفرنامه آدم اولتاریوس ترجمه ا . دویکفر جلد اول صفحه ۵۴۰ ، مسافرت های پیترودولوا له چاپ پاریس ۱۶۶۴ جلد دوم صفحه ۴۲ و جلد سوم صفحه ۴۰ ، رساله صنعت اسلامی تألیف ه . سالادن قسمت مربوط بمعاری صفحه ۵-۳۸۴ و تاریخ ایران تألیف سایکس جلد دوم صفحه ۲۰۰ ، مسافرت های گانه ژ . ب . ناوریه چاپ پاریس ۱۶۷۹ صفحه ۴۵۱ ، مسافرت مسیو دو تونویه شرق حاب آمستردام ۱۷۲۷ جلد سوم صفحه ۲۷۷ .

۲ - « . . . . . شاه باندازه ای از احداث این خیابان زیبا شادمان بود که هیچ درختی را جز با حضور شاه در آن فرس نمی کردند ( استخراج از جلد هشتم شاردن صفحه ۳۹ ، خیابان مزبور توسط « کمبفر اندازه گرفته شده و بحساب او پهنای آن ۶۳ قدم بزرگ بوده ، طول آن در این طرف پل به ۱۶۲۰ قدم و در آن طرف پل به ۲۲۰۰ یا مبرسد ، روی هم رفته با ۴۹۰ قدم طول پل جمعاً درازی آن ۴۳۱۰ یا میشود » ( استخراج از جلد هشتم شاردن صفحه ۲۱ حاشیه لانگلس ) .

## اصفهان

بنابر مراتب فوق این خیابان مشهور اصفهان از جمله نخستین اقدامات معماری شهر یار صفوی محسوب می‌گردد.

از قرار معلوم عملیات و اصلاحات شاه عباس در اصفهان ضمن دو برنامه اعمال شده که یکی پس از دیگری در مدّت نظر شاه بوده است یکی از آنها که بطور تحقیق مربوط بسال ۱۰۰۶ می‌باشد ترتیب استقرار و اقامت دائمی شاه در اصفهان و پایتخت نمودن آن شهر بوده و برنامه دوم که پانزده سال بعد از اولی در نظر گرفته شده مربوط بدوره آرامش سیاسی است که بر اثر یک رشته موفقیت‌های درخشان شاه در لشکر کشی‌های مختلف بوجود آمد. آن موقع شاه عباس از بکان و ترکمانانرا از خراسان رانده بود و در سال ۱۰۱۵ هجری (۱۶۰۶ میلادی) نیز شکست فاحشی به ترکان عثمانی داد و پس از آنکه عهد نامه نافیعی با ترکها منعقد ساخت در سال ۱۰۳۰ باز سلیقه خود را در احداث ساختمانهای باشکوه بکار انداخت و پایتخت خود را از بیانی و رونق جدیدی بخشید و در واقع میتوان گفت که قسمت اول سلطنت شاه عباس در اصفهان از سال ۱۰۰۶ تا ۱۰۲۰ مخصوص استقرار و فراهم کردن وجهات پایتختی آن شهر بوده و قسمت دوم سلطنت وی از سال ۱۰۲۰ تا سال ۱۰۳۸ که تاریخ وفات اوست مصروف عظمت و شکوه آن گردیده است.

سابقاً گفته شد که بنای عهد تیموری موسوم به نقش جهان را در سال ۱۰۰۶ بالاتر بردند و در همان موقع عمارت‌های مسکونی قصر نیز در درون باغچه‌های سلطنتی ساخته شد. میدان شاه که اطرافش را دیوارها و خانه‌های متفرقه و معمولی احاطه کرده بود در ابتدا بهمان حال باقی ماند و ابنیه متحدالشکل و طاق‌ماهای یکسان دور میدان تا سال ۱۰۲۰- که مقارن با اجرای مقدمات شکوه و عظمت اصفهان است انجام نگرفته بود. احتمال می‌رود ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله که ابتدا موسوم بمسجد

۱- واکن کاملاً نحت و مرافبت و توجه بوده، زیرا بشرو دولاوانه ذکر میکند که نصف آن از خاک یاستگک ریز پوشیده نشده بود بلکه شنهای ریزته رودخانه را در آن ریخته بودند که کرد و غبار چهار نعل دویدن و تاخت و ناز امبها چو کان پانزانه آزار ندهد.

## آثار ایران

صدر بوده در سال ۱۰۰۶ شروع شده باشد زیرا کاشیکار یهای بیرون نه‌ای آن در سال ۱۰۱۱ با تمام رسیده بوده است و نیز در همین سال ۱۰۰۶ شاه عباس طرح خیابان چهارباغ را ریخته و به غرس اشجار آن اقدام نمود و در نتیجه کاخ شهری شاه با باغهای بیلاقی خارج شهرش بوسیله خیابان مزبور متصل گردید و از همین جا معلوم می‌شود که پل الهوردیخان نیز در همان زمان ساخته شده است. اجمالا منظور شاه از احداث ساختمانها و غیره فقط این بود که جاو منزلی برای خود ساخته و دیوانخان و ادارات و مسجدش هم نزدیک خودش باشد و باسانی و خوشی به باغ هزار جریب برود.

اندیشه‌های دیگر وی در سال ۱۰۲۰ تجلی نمود، میدانرا منظم کردند در اطرافش ابنیه مرتبی احداث نمودند و چون مسجد صدر یا مسجد شیخ لطف الله در خور نقشه باشکوهی که برای اطراف میدان در نظر داشتند نبود لذا به ساختمان مسجد شاه همت گماشته و در سمت دیگر میدان برابر سردر مسجد جدید الاحداث شاه مدخل باشکوه تاریخی بازار ساخته شد، کاخ چهلستون را برای شرفیایهای رسمی بجای تالار عالی قاپو که برای این منظور غیر مکفی بنظر آمده بود قرار دادند و لکن از قرار معلوم شاه ایوان و تالار عالی قاپورا ترجیح میداده است، باغ خارج شهر را وسعت دادند و در کنار زاینده رود بناهایی برای تفریح و تفرج ساختند که همگی نابود شده است. مجموعه عالی و وسیعی از باغها و کاخها و خیابانها احداث نمودند و خواستند بگویند این کوششها برای عمران و آبادی شهر بوده است، هر چند عناصر مشکله خضارت و شهر سازی در میان نباشد معذک این آثار بر ذوق فطری ایرانیان و سلیقه آنها در ابتکار کارهای بزرگ و عالمانه و متناسب گواهی میدهد و از عشق سرشار پادشاه مقتدر به تجملات ساختمانی و وسایل فوق العاده که برای حصول این نیت برانگیخته و در پرتو نبوغ ملت خود از عمالک مجاور حتی از چین اقصی نیز استفاده میکرد حکایت مینماید.

در حقیقت چهار باغ بیشتر برای اینکه باغ باشد ساخته شد نه خیابان خاصه که این اسلوب خیابان سازی برای عبور و مرور در آن زمان مورد احتیاج نبوده است و از حیث هیئت و ترکیب طوری است که بیشتر برای محل گردش و تفرج بوده

## اصفهان

نابرای رفت و آمد شهر، بعلاوه در خارج شهر در وسط باغهایی طرح شده بود و نام چهار باغ خود شاهد این معنی است و مسافری آن زمان نیز بهمین ترتیب شرح آنرا میدهند. پیترو دولاواله کسی است که هر وقت صحبت از اصفهان زمان شاه عباس میشود نام او هم بمیان میآید. این شخص مینویسد چهار باغ بعضی روزها مختص گردش بانوان بوده و مسلماً برای يك جاده و معبر عمومی نمیتوان چنین اختصاصی را قائل شد. مشارالیه چهار باغ را بدینگونه شرح میدهد: «چیز دیگری که در اصفهان بسیار جالب است خیابانی است که اکنون بیرون شهر واقع گردیده لکن هنگامیکه این چهار محل بیکدیگر متصل گشته و بطوریکه سابقاً گفته شد تشکیل شهر واحدی را بدهد خیابان مزبور داخل شهر افتاده و درست در میان آن واقع خواهد شد. طول این خیابان دو یاسه میل، پهنای آن تقریباً دو برابر پهنای خیابانی است که در رم واقع و پونت مل نامیده میشود. ابتدای این خیابان در جانب شهر اصفهان خانه مربع کوچکی بشکل کلاه فرنگی ساخته اند که اطرافش تمام ایوان و پنجره است، این خانه بانقاشی و تزیینات بسیار دیگری آراسته شده است، این عمارت را بخصوص برای آن ساخته اند که بتوان خیابان را از آن مکان بلند تماشا نمود و طول آنرا تشخیص داد. کاخ ناهی

۱ - پیترو دولاواله دوبار در اصفهان اقامت نموده است: یکبار از ۲۲ فوریه ۱۶۱۷ تا ۱۹ ژانویه ۱۶۱۸ (ابتدای سال ۱۰۲۶ تا ابتدای سال ۱۰۲۷ هجری) و مرتبه دیگر از ۸ دسامبر ۱۶۱۸ تا اول اکتبر ۱۶۲۱ (اواخر سال ۱۰۲۷ تا اواخر سال ۱۰۳۰ هجری).

۲ - «..... این چهار محلی که باید بیکدیگر پیوسته و اصفهانرا تبدیل به شهر زیبایی نماید چهار شهر کوچک است» و این چهار شهر کوچک بقدری نزدیک هم و فاصله بین آنها کم است که جز عرض خیابان زیبای چهار باغ و پهنای بستر زاینده رود چیز دیگری آنها را از هم تفکیک نمیکند. خیابان و رودخانه نیز مانند چایپا یکدیگر را قطع میکنند بدین ترتیب که در جانب شمالی خیابانی که رودخانه از زیر آن میگذرد (یل الوردیخان) در اینطرف رودخانه و در زاویه شرقی خیابان چهار باغ شهر کوچک اصفهان خواهد بود و در سمت دیگر خیابان که جانب غربی آن باشد شهر کوچک عباس آباد (یاتبریز آباد که مقصود شهر تبریز آن باشد) قرار خواهد گرفت و در طرف دیگر رودخانه یا جانب جنوبی آن در زاویه رو بروی عباس آباد جلفا واقع است (این شهر مسکن ارمنه است که از جلفای کنار رود ارس با اصفهان آورده اند) و در محل چهارم یا آخری که مقابل اصفهان است گبر آباد یعنی آنجائیکه گبرها سکونت دارند دیده میشود (پیترو و لاواله جلد دوم صفحه ۵۳).

## آثار ایران

بوسیله دالانی به آنجا راه دارد، دو دیوار با ارتفاع مساوی در دو سمت خیابان است و پشت این دیوارها تا حدود نصف خیابان باغهایی است که بشاه تعلق دارد. مردم اجازه دارند داخل این باغها شده گردش کنند و حتی از میوه‌های بیشمار آنجا در مقابل اندک انسانیت و تعارفی نسبت بباغبان استفاده نمایند. در طرفین خیابان در فاصله‌های مساوی درهای این باغها دیده میشود که روبروی یکدیگر قرار گرفته و هر کدام آنها عمارت کوچک زیبایی است که فقط برای تفریح کسانی ساخته شده است که بخواهند در آنجا غذائی بخورند و یا برای کار دیگری نظیر آن بدانجا روند، شماره این عمارتها بی اندازه زیاد و نمای آنها خیلی آراسته و دلرباست و طوری باهم قرینه و جور و متناسب است که نمیتوان تصور کرد چیزی دلپذیر تر از آن وجود داشته باشد. درختهای فراوانی در هر سو چه در خیابان و چه توی خود باغ در دو سمت دیوارها دیده میشود که ردیف هم يك قد در فواصل مساوی کاشته شده و چنان سبز و خرم است که هر اندازه تصور کنید این نقطه با طراوت و دلگشا است. علاوه بر اینها گوشه بگوشه در فاصله‌های معین مقابل بناهای بسیار زیبا و وسط خیابان حوضهای بزرگ آب با تناسب صحیح و اشکال مختلف بدون لبه دیده میشود. آب در کف سنگفرش خیابان موج میزند و راه نسبتاً عرضی در دو طرف برای عبور پیاده و سوار ساخته اند، نهر آب بزرگی وسط خیابان در جویباری که از سنگ ساخته شده جریان دارد و به آب‌نماها میریزد، در چندین حوض فواره‌های بسیار زیبایی دیده میشود و در بعضی از آنها نیز بوسیله احداث پاره سرایشها آبشارهاییکه در دنیا نظیر آن بدین دلپسندی وجود ندارد درست کرده اند. قسمت وسط خیابان و پای دیوارها با سنگهای کوچکی فرش شده که برای مردم و اسبها ناراحت نیست لکن این طرف و آن طرف خیابان دو نقطه‌ای که خاک خوبی دارد و اگذاشته گل‌های رنگارنگی نشانده اند، یقیناً این گلها در موسم خود از عطر و منظره زیبای خویش دیده دل و مشام جان را محظوظ و سرشار مینماید ۱.

شاردن که پنجاه سال بعد از پیترو دولاواله یعنی در زمان سلطنت شاه سلیمان سفرنامه خویش را نوشته است درباره خیابان چهارباغ نکات مفید چندی بشرح و توصیف فوق علاوه نموده چنین مینگارد: . . . . . باید بشرح محلات خارج شهر پرداخت و هنوز هم وسعت اراضی آن از خود شهر بیشتر است. قبلاً از خیابان بزرگی صحبت میداریم که میتوان آنرا گردشگاه اصفهان نامید، این خیابان قشنگترین خیابانی است که دیده یا شنیده‌ام. . . . . دوره و حاشیه جویباری که از ابتدا تا انتها در وسط خیابان جاری است از سنگ تراش ساخته شده و نه انگشت بلندی آن میباشد، پهنای آن طوری است که دو تن اسب سوار میتوانند در هر طرف آب روی دوره نهر عبور نمایند. . . . . در دو سمت این خیابان دلگشا باغهای زیبا و وسیعی قرار دارد که هر يك از آنها دارای دو عمارت است، يك عمارت بسیار بزرگی در وسط باغ و مشتمل بر تالاری میباشد که از هر سو گشاده و اطافهای مختلف دیگر در گوشه های آن قرار دارد. عمارت دیگری که بالای سردر باغ ساخته شده و برای اینکه آسانتر بتوانند رفت و آمد مردم را در خیابان ببینند سمت جلو و طرفین عمارت باز است، این عمارت‌ها ساختمان و شکاشان متفاوت است و لکن تقریباً همه آنها يك اندازه و دارای نقوش فراوان و زرنگار است و بهمین واسطه منظره بسیار باشکوه و دلپسندی را دارد، دیوارهای باغهای مزبور اغلب مشبك ساخته شده و شبیه رجهای خشت هستند که برای خشك شدن و باد خوردن میچینند بطوریکه بدون ورود بیاغ میتوان از بیرون بدرون باغ نگاه کرده و اشخاصی که آنجا هستند و جریانات آنرا تماشا نمود. . . . . کف خیابان صاف و ترازیست بلکه آنرا مانند سکو هائی ساخته اند که طول هر کدام در حدود دو یست قدم بوده و در اینطرف رودخانه هر سکو از سکوی بعدی تقریباً سه گام پائین تر است، آنطرف رودخانه بعکس این طرف هر سکو از سکوی بعدی بهمان نسبت بلندتر است و در نتیجه چه در موقع رفتن و چه در موقع آمدن همیشه منظره قشنگی در برابر چشم جلوه گراست، فواره‌ها و حوضها، آبشارهای کوچک لب سکوها بشکل حیرت‌انگیزی بر زیبایی و جلوه این دورنما میافزاید. . . . . همینکه باین خیابان باشکوه وارد

## آثار ایران

میشویم، در ابتدا عمارت چهار گوش بلند و معظمی دیده میشود..... این عمارت سه طبقه بوده و هیچ در و پنجره‌ای در سمت عقب و طرف چپ ندارد، علتش هم این است که آن دو سمت رو باندرون شاه واقع گشته است. دو طرف دیگر نیز بجای شیشه پنجره هائی دارد مشبك و ترك ترك که با کچ ساخته شده و روی آن را بسبك بسیار مطبوعی نقاشی و زر نگار کرده اند. این عمارت به دستور شاه عباس کبیر بدین سبك ساخته شده و مقصود این بوده است که بانوان اندرون شاه بتوانند از آنجا ورود سفرای و گردش گاههای دربار و وقایع دیگر را مشاهده نمایند.....

در جلو این بنای مشبك حوض آب چهار گوش است که طولش پانزده پاست..... (در اینجا هفت حوضی را که بین عمارت و رودخانه واقع است شرح میدهد)..... پل در آن طرف حوض هفتم است و باغهایی که در آخر این قسمت خیابان واقع گشته محل نگاهداری پرندگان شاه میباشد. سیم قفسها زرین است و لانه شیران نیز در گوشه دیگر است.....

برای آنکه توصیف خیابان زیبای شهر اصفهان پایان برسد لازم است شرح باغ قشنگی که در انتهای این خیابان واقع گشته و هزار جریب مینامند داده شود..... (در اینجا نیز بشرح باغ هزار جریب میپردازد) ۱.

بنا بر آنچه گذشت چهار باغ در زمان پیتروودولاواله و شاردن باغ و تفرجگاه مردم بوده است.

اولتاریوس در سال ۱۶۳۷ چهار باغ را باغ هزار جریب نامیده و آنرا «زیباترین و فرح بخش ترین نقطه جهان» ۲ خوانده است.

هنگام مسافرت فلاندن و کوست بایران در سال ۱۸۴۰ چهار باغ عبارت بوده است از..... چهار ردیف چنارهای بسیار بزرگ کهن که سرهایشان بر فراز تنه های عظیم الجثه و عجیب آنها بطور باشکوهی چتر زده پنج خیابان مستقیم و

۱ - شاردن جلد هشتم از صفحه ۲۱ پیوست.

۲ - سفرنامه آدم اولتاریوس چاپ پاریس ۱۶۶۶، جلد اول صفحه ۵۴۰.



## اصفهان

عریض در مقابل ما تشکیل میداده و تنها درازی این خیابانها مانع دیدن انتهای آنها میشد، در خیابان وسطی نهر آبی در تمام طول خیابان امتداد یافته و آب زلالی در آن جریان داشت، آب این جویبار در هر دو بست گام از حوضی به حوض دیگر فرو ریخته و بدین ترتیب تشکیل آبشارهای چندی میداد. در هر سمت این حوضها چهار طاقیها یا کلاه فرنگیهای منقش یا کاشی کاری قرار داشت و مابین عمارتها باغیهای وسیعی بود که درختان آنها از بالای دیوارهای دو طرف خیابان دیده شده و زینت بخش سلسله بی پایان طاقنها ای پی در پی میگرددید»<sup>۱</sup>.

اکنون بد بختانه چهار باغ جز خیابان بازو گانی شهر چیز دیگر نیست و دیگر حوضها و آبشارها و کاخهای سابق وجود ندارد لکن هنوز طرف عصر گردشگاه مردم اصفهان میباشد.

پل الله وردیخان<sup>۲</sup>

- ۱ - فلاندرن، سفر نامه ایران، جلد اول صفحه ۲۸۶.
- ۲ - در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ (۶ ژانویه ۱۹۳۲) در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. مراجع اطلاع مربوط به بنای مزبور عبارت است از: کتاب شاه عباس اول تألیف ل. ل. بلان صفحه ۷۶، سفر نامه شوالیه شاردن . . . . . چاپ ل. لانگلس جلد هشتم صفحه ۳۲ - ۳۰ و نقشه ۴۳ و ۴۴ و ۴۷، ابنیه جدید ایران - تألیف ب. کوست صفحه ۳۳ و نقشه ۴۹ - ۴۶، مقاله ایران و عیلام و کلمه بقلم ژ. دیولا قوا در مجله گردش دور دنیا سال ۱۸۸۶ ششماه دوم نقشه ۱۱۴، مقاله پلهای زنده رود بقلم م. دیولا قوا در سالنامه های بلها و راه ها بنا تاریخ ۱۸۸۳ صفحه ۲۱ شکل ۱ تا ۵، کتاب ایران تألیف دو بو صفحه ۱۶ نقشه ۴۰ - ۳۹، مسافرت بایران ایران جدید تألیف ا. فلاندرن و پ. کوست نقشه ۴۶، سفر نامه ایران تألیف ا. فلاندرن جلد اول صفحه ۳۵۴، دائرة المعارف اسلامی مقاله اصفهان بقلم ک. هواز، عراق شرقی ایران تألیف ا. هوتوم شیندار صفحه ۱۸، ایران در گذشته و حال تألیف و. جکسن صفحه ۲۶۹، مسافرت های . . . . . کریرتر جلد اول صفحه ۴۲۰، مسافرت های بیتر و دولواله چاپ پاریس ۱۶۶۴ جلد دوم صفحه ۴۳، راجع بانته وردیخان به جلد دوم صفحه ۴۵۰ رجوع شود، آثار معماری ایرانی تألیف ف. زاره صفحه ۷۵، تاریخ ایران تألیف پ. م. سایکس جلد دوم صفحه ۲۰۱ و نقشه ای که از روی کتاب فلاندرن رسم کرده است، مسافرت های شش گانه ژ. ب. تاورنیه چاپ پاریس ۱۶۷۹ صفحه ۶ - ۴۵۵، مسافرت دوتونوبه شرق چاپ امسردام ۱۷۲۷ جلد سوم صفحه ۲۷۹.

## آثار ایران

پلی که بنام بانی و سازنده آن خوانده میشود و پیشتر پل جلقا میگفته اند اکنون بیشتر با اسم پل سی و سه چشمه یا سی و سه پل معروف است و مسافری که از خیابان چهار باغ اسم برده اند شرح آنرا نیز داده اند زیرا این پل قسمتی از خیابان مزبور محسوب میگردد. پل مزبور جزء نخستین برنامه کارهای شاه عباس بوده است. بر طبق گفته کوست طول آن ۲۹۵ متر و عرضش ۱۳/۷۵ متر بوده و توسط الله وردیخان سپهسالار شاه عباس و رفیق صمیمی و فدائی وی ساخته شده است.

پ. کوست آنرا ترسیم نموده و نقشه ها و مقطع ها و ارتفاعات و نماهای خارجی مربوط به پل مزبور را در کتاب «ابنیه جدید ایران» کشیده است. م. دیولافوا نیز مقاله مربوط به بررسی فنی خود را در «سالنامه های پلها و راهها» انتشار داده است (بکتاب و مراجع مربوط به بنای مزبور مراجعه شود).

مسجد شیخ لطف الله<sup>۱</sup>

در همان هنگامیکه درختهای خیابان چهار باغ را میکاشتند و چهار باغ و هزار جریب و قصرهای اطراف آن و پل الله وردیخان را بنا میکردند در حاشیه میدان شاه نیز رو بروی بنای عهد تیموری که طبقه دیگری روی آن بالا میبردند مسجدی ساخته میشد که مسجد صدر یا مسجد فتح الله نام داشت و عموماً امروز آنرا بنام مسجد شیخ

۱. در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ (۶ ژانویه ۱۹۳۲) در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

مراجع و کتب حاوی اطلاعات راجع باین بنا عبارت است از: سفرنامه شوالیه تاردن چاپ ل. لانگلس جلد هفتم صفحه ۳۶۰ - ۳۵۴، سفرنامه ایران تألیف ا. فلاندرن جلد اول صفحه ۳۴۹. عراق شرقی ایران تألیف ا. هوتوم شیندلر صفحه ۱۲۲، مسافرتهای پیتر و دولا واله چاپ پاریس ۱۶۶۴ جلد دوم صفحه ۴۱، رساله صنعت اسلامی قسمت معماری بقلم ه. سالادن صفحه ۴۳۵، آثار معماری ایرانی تألیف ف. زازره صفحه ۸۲ - ۷۹ شکل ۱۰۴ نقشه ۶۴، مسافرتهای ششگانه ژ. ب. تاورنیه چاپ پاریس سال ۱۶۷۹ صفحه ۴۵۰، مسافرت مسیودوتونو به شرق چاپ آمستردام سال ۱۷۲۷ جلد سوم صفحه ۴ - ۲۷۳.

## اصفهان

لطف الله میخوانند. آن قسمت از نمای آن که اکنون سفید است ابتدا کاشی کاری بوده و تاریخ آن سال ۱۰۱۱ هجری (۳ - ۲ - ۱۶۰۲ م.) میباشد، قطعات کاشی کاری مزبور که سال تاریخ را در بر دارد ده سال قبل در محراب شبستان زیرین مسجد نصب گردیده است، سر در مسجد که کاشیکاریهایش هنوز بجای خود باقی است حاشیه کتیبه‌ای دارد<sup>۱</sup> که تاریخ آن سال ۱۰۱۲ هجری (۴ - ۳ - ۱۶۰۳ م.) میباشد. متن کتیبه مزبور از این قرار است :

« امر بانشاء هذا المسجد المبارك السلطان الاعظم والخاقان الاكرم محي شيم آبائه »  
 « الطاهرين ومروج مذهب الائمة المعصومين ابوالمظفر عباس الحسيني الموسوي الصفوي »  
 « بهادر خان خلد الله تعالى ملكه وجري فلكه في بحار امانيه به حمد و آله الطيبين »  
 « الطاهرين المعصومين صلوات الله عليه وعليهم اجمعين كتبهها على رضاء العباسي ۱۰۱۲ »  
 بالای در بخط نستعلیق کتیبه ذیل نوشته شده است :

« مائة محتشمی خدمت اولاد علی است »

تزیینات داخلی این مسجد خیلی دیرتر و بعد از این تاریخ با تمام رسیده است . تاریخ کتیبه بزرگ زیر گنبد سال ۱۰۲۵ هجری است و در درون محراب کتیبه‌ای وجود دارد که سال تاریخش ۱۰۲۸ هجری بوده و احتمال میرود که این تاریخ سال انجام کارهای بنای مزبور باشد .

در سمت چپ محراب عبارت ذیل خوانده میشود :

« عمل حقیر فقیر محتاج بر رحمت خدا »

در سمت راست دنباله آن نوشته است :

« محمد رضا ابن حسین بناء اصفهانی ۱۰۲۸ »

پیترود و لاواله از این مسجد سحر انگیز همیقدر ذکر نموده و مسافری دیگر نیز دقت بیشتری در بنای مزبور نموده اند و بیگمان علت این مسئله را همان قسمی که فلاندن گفته اینست که مسجد مزبور نزدیک مسجد شاه واقع شده و « عظمت و زیبایی

۱ - بخط ثلث با معرق کاشی سفید روی زمینه آبی .

## آثار ایران

این مسجد مجاور باعث شکست مسجد شیخ لطف‌الله می‌باشد « و لکن مسجد شیخ لطف‌الله بواسطه تجانس و کمال زیبایی تزئینات و کاشیکاریهایش دست کم با همسایه عظیم خود برابر و هم طراز است ، گنبدش بطور اطمینان قشنگترین گنبد های اصفهان است و ایرانیان امروزه بخوبی باین نکته واقفند و بطور قطع مسجد مزبور را بر سایر ابنیه شهر ترجیح میدهند .

### مسجد مقصود بیك<sup>۱</sup>

هنگام سلطنت شاه عباس بزرگ همه از وی پیروی کرده سعی مینمودند برای زیبایی پایتخت همکاری نشان بدهند . یکی قصر میساخت ، دیگری کاروانسرا ، برخی دیگر مسجد یا دیر یا کاپسائی احداث میکردند . پیتروود و لاواله و شاردن هر دو نقل میکنند که شاه تأمل و مضایقه نداشت از اینکه شخصاً نزد تجار ثروتمند رفته و آنها را در اینکار بهمچشمی و سبقت جوئی وادار نماید . در مورد اطرافیان شاه دیدیم که آله وردیخان ساختمان پلی را که بنام وی مشهور است بعهده گرفت . اینک نیز از دو مسجد گفتگو میشود که یکی توسط مقصود بیك ناظر شاه و دیگری بوسیله خلف نام سفره چی وی بنا گردیده است . مسجد مقصود بیك را غالباً مسجد ظلمات نامیده اند و بیگمان این وجه تسمیه از این جهت است که در کوی تکیه ظلمات واقع گردیده است . بنای آن بتوسط ناظر شاه که خانواده وی سالهای متمادی پیشکار اندرون بوده ساخته شده است . شاردن در ضمن توصیف اصفهان چنین مینویسد :<sup>۲</sup>

« نزدیک کاروانسرای خراسانیها کاخی است متعلق بمقصود بیك ناظر و پیشکار

۱ - در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۱۳ ( ۱۳ دسامبر ۱۹۳۴ ) در فهرست آثار ملی ایران - ثبت رسیده است .

۲ - سفرنامه شوائیه شاردن . . . . چاپ ل . لانگلس جلد هفتم صفحه ۵ - ۳۹۴ .

## اصفهان

سرای شاهی **صکه** در موقع مسافرت‌های من بایران ۱ همین کار را داشت و از صد سال باینطرف این شغل مخصوص خانواده او بوده و از پدر بفرزند منتقل گردیده است ۲. این مسجد دارای بنائنی است سحر انگیز متعلق بهترین دوره ساختمانهای شاه عباسی، در تزیینات و خط کتیبه های آن مراقبت مخصوص نموده اند. مسجد مزبور تنها شبستانی است گنبد دار، راه ورود آن سردری است که با کاشیهای بسیار عالی آراسته شده است. کتیبه آن نسبتاً خراب است لکن خوشبختانه سال تاریخ ۱۰۱۰ (۲-۱۶۰۱ م.) و اسم سلطان عصر یعنی شاه عباس و نام بانی آن مقصود بیک ناظر و اسم خطاط که جعفر علی الامامی باشد محفوظ مانده است ۲.

درون مسجد محرابی عالی وجود دارد که آن نیز صورت خوبی ندارد و لکن کتیبه آنرا میتوان تقریباً از روی اطمینان قرائت نمود (شکل ۳۳ اصل فرانسه) و کاتب آن علی رضا عباسی بوده ۳ است :

« در زمان دولت پادشاه جمجاه ملایک سپاه گردون بارگاه مروّج مذهب ائمه »  
 « اثنی عشر صلوات الله علیهم من الملك الاکرم . . . السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم »

۱ - شاردن در سال ۱۶۴۳ در پاریس تولد شده و در سال ۱۶۶۴ رهسپار هند شرقی گردیده و از ایران عبور نموده است ، در هرمز سوار کشتی شده و از ایران رفت و سال بعد بایران بازگشت و شش سال در این کشور توقف نمود و در ۱۷ اوت سال ۱۶۷۱ صکه پانزده ماه از مراجعت وی بفرانسه میگذشت باز عازم ایران شد و تا سال ۱۶۷۷ که زمان سلطنت شاه سلیمان بود از این کشور فرقت کرد آنسال بار دیگر بطرف هند رهسپار گشته و در آغاز سال ۱۶۷۸ بدانجا رسید .

شاه سلیمان از سال ۱۰۷۷ تا سال ۱۱۰۵ هجری ( ۱۶۹۴ - ۱۶۶۷ م . ) سلطنت نموده است .  
 ۲ - مقصود از سلطنت شاه عباس اول تا آنوقت بوده است (شاردن شرح اصفهان را در سال ۱۶۷۶ مینوشه است ) ( جلد هفتم صفحه ۲۸۹ ) .

۳ - ز . ویت در نشریه مربوط به نمایشگاه ایران در سال ۱۹۳۱ ( ۱۳۱۲ ) در صفحات ۷ - ۵۶ نشان میدهد که سردر مسجد شاه اصفهان ( ۱۰۲۵ ) و کتیبه سردر مسجد شیخ لطف الله ( ۱۰۱۲ ) و کتیبه آسنانه مشهد ( ۱۰۱۶ ) و کتیبه بقعه خواجه ربیع ( ۱۰۲۶ ) کار علیرضای عباسی است . علاوه بر کتیبه های فوق و کتیبه محراب مسجد مقصود بیک کتیبه سردر اصلی کاخ شاهی قزوین ( عالی قاپو ) نیز به امضای علیرضای عباسی بوده که سال ااریخش از میان رفته است . همچنین کتیبه ایست نوری کاسه گنبد و در قاعده گنبد مسجد شیخ لطف الله ( ۱۰۲۵ ) و خط دیگری که تاریخ آن ۱۰۱۱ و روی لوحه کوچک سنگی تراشیده شده و در کتابخانه آسنانه رضوی مشهد محفوظ است .

### آثار ایران

« ابی المظفر شاه عباس الموسوی الصفوی الحسینی بنای این مسجد نمود کمترین غلامان »  
 « مقصود بیک ناظر و ثواب آنرا بروزگار بندگان نواب اشرف اقدس هبه نمود کتبه »  
 « علی رضا العباسی ۱۰۱۱ هـ (۳ - ۱۶۰۲ م .) »

در یکی از حجرات کوچک فرعی این مسجد مقبره میرعماد خطاط معروف که رقیب و دشمن علیرضا عباسی بوده واقع است .

### مسجد سرخی<sup>۱</sup>

این مسجد کوچک که شبستان آن بتازگی دوباره ساخته شده در سال ۱۰۱۴ (۶-۱۶۰۵ م .) توسط خلف نام سفره چی<sup>۲</sup> شاه عباس اول بنا گردیده است، سابقاً آنرا مسجد سفره چی مینامیدند لکن در طول زمان کلمه سفره چی تغییر یافته و سرخی شده است و در نتیجه مسجد سفره چی بمسجد سرخی معروف گردیده است .  
 سردر این مسجد حاوی کتیبه‌ای بخط ثلث است که با کاشی معرق سفید بر زمین آبی نگاشته شده :

« قد اتفق فی ايام خلافة السلطان الاعل الاکرم الاشجع الاعظم مالک رقاب الامم »  
 « مولی ملوک العرب والعجم قهرمان الماء والطين ظل الله فی الارضین غلام باخلاص امیر - »  
 « المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الصفوی »  
 « الحسینی بهادر خان خلد الله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی العالمین بره وعدله و »  
 « احسانه وعظمته و شوکته ومعدلته ونصرته وحشمته الی یوم القيمة بنده درگاه خلف »  
 « سفره چی بتاریخ اربعة عشر و الف رقم صحیحی »

### میدان شاه<sup>۳</sup>

بنا بر گفته اسکندر منشی شاه عباس مبلغ مهمی در سالهای ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ (۱۲-)

- ۱ - در تاریخ ۱۲ اسفند ماه ۱۳۱۵ ( ۳ مارس ۱۹۳۷ ) در فهرست آثار ملی ایران ثبت گردیده است .
- ۲ - موقعیکه هدایا را میگردانیدند سفره را گسترده و روی عین را که عبارت از تمام کف تالار باشد از آن مستور نمودند .
- سفر نامه آدم اوئاریوس . . . . . ترجمه ا . دوویکفور جلد اول صفحه ۴۹۳ .
- ۳ - در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ( ۱۶ ژانویه ۱۹۳۲ ) در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است .  
 ( بقیه در ذیل صفحه ۸۰ )

## اصفهان

۱۶۱۱ میلادی) برای زیبایی و آرایش این میدان تخصیص داد و در این هنگام است که اجرای دومین برنامه عملیات ساختمانی وی در اصفهان شروع میگردد. برنامه مزبور چنانچه سابقاً ذکر شد شامل کارهایی بوده است که برای عظمت و شکوه شهر انجام میگرفته زیرا دیگر صحبت احداث و ایجاد بنای جدیدی نبوده بلکه نظر متوجه تکمیل بناهای موجود و ابنیه معظمتر بجای برخی از ابنیه برنامه اول بوده است.

تا آن موقع میدان شاه بهمان حالی که ابتدا شاه عباس آنرا مشاهده نموده بود باقی مانده الا اینکه برای آسایش چوگان بازیان کف محل مزبور را که در قدیم محل خرید و فروش بوده است از شنهای بستر زاینده رود پوشانیده و مسجد شیخ لطف الله را نیز در کنارش احداث نموده بودند. در سال ۱۰۲۰ هجری پسر شاه آنرا مرتب و منظم کرده و برای جلوه بناهای اصلی کنار میدان گرداگرد آن ساختمانهایی که از حیث معماری متحدالشکل بود احداث نمودند. در همان هنگام دستور داد سردر بزرگ مسجد شاه را در يك سمت كوچك ميدان و در سمت ديگر سردر بازار یعنی نقاره خانه را احداث نمودند. پيترودولاوله که در سال ۱۰۲۶ (۱۶۱۷ م.) وارد اصفهان شد تزین میدانرا بنحویکه ذکرش خواهد آمد مشاهده نموده و تقریباً تزین مزبور بانمام رسیده بوده است. سردر مسجد شاه که مورخ بسال ۱۰۲۵ هجری و سردر مسجد شیخ لطف الله که تاریخش

(بقیه از ذیل صفحه ۷۹)

کتاب و مراجع مربوط به بنای مزبور عبارت است از: شاه عباس اول تألیف ل. ل. بلان صفحه ۶ - ۷۵، سفرنامه شوالیه شاردن تألیف ل. لانکس جلد هفتم صفحات ۳۴۳ - ۳۴۴ نقشه ۳۴ و ۳۵، ابنیه جدید ایران تألیف پ. کوست صفحه ۲۲ نقشه ۶ و ۷، مقاله ایران و عیلام و کلدان بقلم ژ. دیولافوا در مجله دور دنیا سال ۱۸۸۶ ششماه دوم صفحه ۱۴۶، ایران تألیف دو بو نقشه ۴۴، مسافرت بایران ایران جدید تألیف ا. فلانسن و ب. کوست نقشه ۵۴، سفرنامه ایران تألیف ا. فلانسن جلد اول صفحه ۳۴۰، صنعت ایرانی تألیف ا. کاپه صفحه ۱۶۸، ایران در گذشته و حال تألیف و. جکسن صفحه ۲۶۶، سفرنامه... کربنرتر جلد اول صفحه ۴۳۲، بسوی اصفهان تألیف بیرلوتی صفحه ۷ - ۲۰۴، مسافرت ادم اولناریوس ترجمه ا. دوویکفور جلد اول صفحه ۹ - ۵۲۸ و ۵۳۳، مسافرت های پینرودولاوله چاپ پاریس ۱۶۶۴ جلد دوم صفحه ۴۰، رساله صنعت اسلامی قسمت معماری بقلم ه. سالادن صفحه ۶ - ۳۸۵، تاریخ ایران تألیف سربررسی سایکس جلد ۲ صفحه ۱۹۸، مسافرت های شش گانه ژ. ب. ناورنیه چاپ پاریس ۱۶۷۹ صفحه ۴۴۱، مسافرت مسیودوتونو بمشرق زمین چاپ آمستردام ۱۷۲۷ جلد سوم صفحه ۲۷۰.

## آثار ایران

۱۰۱۱ و ۱۰۱۲ هجری است در آنموقع تمام بوده و بنا بگفته این سه سال و ایتالیائی در سمت دیگر میدان نزدیک بازار دورنمای زیبایی است که نام آن (مسجد شاه) قرینه بوده و روی سردرهایش دو ایوانست که هر شام دو دسته موزیکانچی بدانجا رفته یکی به آهنگ ایرانی و دیگری به آهنگ تراکی پاره‌ای آلات موسیقی جنکی را مینوازند. بنا بر این معلوم میشود نقاره‌خانه و طبعاً سردر بزرگی که نقاره‌خانه روی آن ساخته شده نیز باتمام رسیده بوده است و اما در خصوص بناها و طاقنماهاییکه میدان را احاطه کرده و بناهای اصلی را بیکدیگر متصل و مربوط میسازند مطابق آنچه پیترو دو-لاواله نوشته است این بناها نیز ساخته شده بود تنها یکی از درهای کاخ شاهی که از عالی قابو خیلی دور نیست هنوز ناتمام بوده است.

سیاح مزبور گوید یکی از «عجایب» شهر میدان شاه یا میدان بزرگی است که جلو کاخ شاهی واقع گردیده است، طول آن تقریباً ششصد و نود قدم و عرض تقریباً دوست و سی قدم بی‌پای من میباشد<sup>۲</sup>. اطراف آن تماماً مزین به طاقنماهای بزرگی است، در نهایت زیبایی و نظم و تناسب ساخته شده و خیابان یا چیز دیگری نظم و ترتیب آنرا برهم نزده است، روی هر طاقنما بالاخانه ایست با پنجره‌های بزرگ که هزار گونه تزئینات کوچک و بسیار دلپسند دیگر در آن بکار برده‌اند، درون طاقنماهای مزبور دکانهایی است که مملو از اشیاء و امتعه گوناگون میباشد. بشما اطمینان میدهم که این رشته بزرگ ابنیه که یکنواخت قرینه‌سازی شده است باندازه‌ای زیبا و خوش‌منظر است که بناهای میدان ناون با تمام بلندی و شکوه خود از حیث زیبایی در مقابل میدان اصفهان تحت الشعاع واقع شده و علت این امر از یکطرف کمی تناسب ابنیه میدان ناون با یکدیگر و از طرف دیگر بسیاری چیزهای گفتنی دیگر است که از مزایای میدان اصفهان سراغ دارم. جو بیاری بزرگ یا بهتر گفته باشم رودخانه کوچکی بخط مستقیم در اطراف میدان از نزدیک طاقنماها میگردد و آب بطور دائم در آن جاری است و چهار سمت

۱ - پیترو دو لاواله جلد دوم صفحه ۴۱.

۲ - طول میدان شاه در سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴ م.) ۵۱۲ متر و عرض آن ۱۵۹ متر بوده است.



## اصفهان

میدان را بنحو مطبوعی مشروب میسازد، دو سمت نهر نیز دو خط راست لبه‌سازی یا حاشیه‌سازی شده است. در سطح این جویبار دیواره کوتاه سنگی بسیار ظریفی درست کرده‌اند که بر یکطرف بستر نهر آب قرار گرفته است و مردم در آن سمت گردش میکنند. در جانب دیگر جویبار در سمت طاقماها درختهای زیبای یدشماری است که در امتداد یک خط کاشته شده و بلندی آنها يك اندازه میباشد. اطمینان دارم همینکه چند روز دیگر این درختان جامه زمردین خود را دربر و طراوت و زیباییهای طبیعی خود را جلوه‌گر سازند چیزی دل‌انگیز تر و دلپسند تر از آن وجود نخواهد داشت، میان این میدان سراسرازشن ریز مستور و همیشه خشک است ازینرو برای اسب‌دوانی و سواری تفریحی بسیار راحت و آسوده میباشد.

با وجود اینهم قیصریه یعنی «بازار شاه» بنا بر آنچه اسکندر منشی ذکر نموده دیرتر یعنی در سال ۱۰۲۹ هجری ساخته شده است، سردر بزرگ و با شکوهی که روی مسجد شاه ساخته شده در ابتدا جز در بازار چیز دیگری نبود و از طرف دیگر در پشت مدخل تاریخی و عظیم مسجد شاه تا سال ۱۰۲۶ هجری جز ساختمانهای مختصر چیز دیگری وجود نداشته و بقول پیتر و دولا واله فقط «پی ریزی» این مسجد را تا آن زمان انجام داده ولی «با حرارت مشغول کار بوده‌اند» این بنا پس از مرگ شاه عباس با تمام رسید.

بنا بر این تا سال ۱۰۲۶ هجری جز قیصریه که هنوز فایده‌ای بر آن مترتب نبوده مسجد شاه و سردر مشهور به «در زنانه» و تزئین میدان و اطراف آن تا آنموقع خیلی پیشرفت نموده بوده است، در محل مزبور تا موقع مرگ شاه مشغول کار بوده‌اند لکن شاه چیز دیگری بر آن نیفزود، در این ضمن بمازندران و اشرف و ویژه فرح آباد علاقه مند گشت، فرح آباد خیلی طرف توجه وی بود و از آنجا لذت خاص و فراوان میبرد و در سال ۱۰۳۸ (۱۶۲۹ م.) در آنجا وفات یافت و جسد وی بر حسب میل

## آثار ایران

خودش بکاشان حمل و در بجاورت مقبره جدش حبیب بن موسی (شکل ۳۵ اصل فرانسه) بخاک سپرده شد.

میدان شاه اصفهان حتی از چهار باغ هم بیشتر باعث تعجب و تحسین جهانگردان است و بهمین سبب راجع به آن بیش از خیابان معروف فوق توصیفات و نقشه ها انتشار یافته و چون اینجا کنجایش ندارد خوانندگان گرام را بخود کتابها راهنمایی میکنم

## مسجد شاه<sup>۱</sup>

اسکندر منشی گوید شاه عباس سال ۱۰۲۱ (۱۳ - ۱۶۱۲ م.) که مصادف با بیست و پنجمین سال سلطنتش بود بساختمان این مسجد فرمان داد.

۱ - در ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ (۶ ژانویه ۱۹۳۲) در تهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است. مراجع:

کتاب شاه عباس اول تألیف ل. ل. بلان صفحه ۷۶ - و ۱۹۶۷ ، مقاله معماری اسلامی ایران بقلم م. وان برخم در نامه دانشندان شماره نوریه ۱۹۱۱ صفحه ۵۸ ، سفرنامه شوالیه ساردن چاپ ل. لانگس جلد هفتم صفحات ۳۵۴ - ۳۴۳ ، ابنه جدید ایران تألیف پ. کوست صفحه ۶ - ۲۲ نقشه ۱۷ - ۸ ، ایران و عیلام و کده بقلم ژ. دیولا فوا در مجله دوردنیا سال ۱۸۸۶ ششماه دوم صفحه ۱۴۶ و صفحات بعد کتاب مشرق تألیف ا. فلاندرن صفحه ۱۵ ، مسافرت بایران - ایران جدید تألیف ا. فلاندرن و پ. کوست نقشه ۴۲ ، سفرنامه ایران جلد اول صفحه ۸ - ۳۴۳ تألیف ا. فلاندرن ، صنعت ایرانی تألیف ا. گیاه صفحه ۱۷۲ - ۱۶۸ ، ایران در گذشته و حال تألیف و چکسون صفحه ۲۶۷ ، بسوی اصفهان تألیف پ. لوتی صفحه ۲۰۸ ، مسافرت آدم اولتاریوس . . . . . ترجمه ا. دوویکفور جلد اول صفحه ۳۵۲ ، مسافرتهای پیتردولاوله چاپ پاریس ۱۶۶۴ جلد دوم صفحه ۴۱ ، رساله صنعت اسلامی قسمت معماری بقلم ه. سالادن صفحه ۳۹۷ - ۳۸۸ و ۴۳۵ ، آثار ساختمانی ایرانی تألیف ف. زاره صفحه ۹ - ۷۸ ، مقاله مناره های اصفهان در آثار ایران سال ۱۳۱۶ صفحه ۱۸۴ ترجمه فارسی و صفحه ۳۵۴ متن انگلیسی ، تاریخ ایران تألیف پ. م. - ایکس جلد دوم صفحه ۱۹۹ و نقشه ای که از ا. فلاندرن و پ. کوست اقتباس شده است ، مسافرت های ششگانه ژ. پ. تاورنیه چاپ پاریس ۱۶۷۹ صفحه ۴۴۴ ، شرح ارمنستان و ایران و بین النهرین تألیف ش. تکسیه جلد اول صفحه ۱۶۳ و جلد دوم صفحه ۱۳۳ و نقشه های ۷۲ ، ۶۹ - مسافرت مسیو دوتونوبه مشرق زمین چاپ استردام ۱۷۲۷ جلد سوم صفحه ۷ - ۲۷۴ .

## اصفهان

دستور صریح شاه بدون تردید این بوده است که در کارهای سر در اصلی بیش از سایر قسمتهای مسجد فعالیت پخرج داده شود. این سر در عظیم تاریخی عنصر مهم تزینات جدید میدان بود که یکسال پیش دست بکار آن شده بودند و بنظر شهریار لازمتر از بنای خود مسجد میآمد زیرا خود مسجد را نمیتوانستند تصور کنند باین زودی تمام شود بهمین مناسبت هم بود که در سال ۱۰۲۵ هجری این قسمت بنا (سر در) کاملاً تمام شده بود در صورتیکه بنا بر آنچه پیتر و دولاوله نقل نموده در سال ۱۰۲۶ هجری فقط مشغول پی ریزی مسجد بوده اند.

در نتیجه این روش کار سر در مزبور دو کتیبه دارد یکی متن معمولی راجع به بنیاد آن که مورخ بسال ۱۰۲۵ هجری است و دیگری مدتها بعد در موقع اتمام کلیه بنا بسر در الحاق شده است.

کتیبه اولی بخط ثلث بوده و روی کاشی معرق سفید برزمینه لاجوردی نگاشته شده بدین مضمون:

« امر ببناء هذا المسجد الجامع من خالص مساله اشرف خواقین الارض نسبا و  
 « اکرمهم حسبا واعظمهم رفعة وشانا واقواهم حجة وبرهانا واشعلهم عدلا واحسانا  
 « تراب العتبة المقدسة النبویه وقماعة الساحة المطهرة العلوية ابوالمظفر عباس الحسينی  
 « الموسوی الصفوی بهادرخان لا زالت رقاب اعظم الخواقین خاضعة علی بابہ وجباه  
 « افانهم السلاطین مغفرة بتراب اعتابه وقد اهدى ثوابه الی روح جدّه الاعظم الاکرم  
 « الافخم شاه طهماسب سقى الله ضریحه صوب الرضوان واسکنه علی غرفة الجنان کتبه  
 « علی رضا العباسی ۱۰۲۵ »

کتیبه دیگر بالای در پائین قسمت وسطی کتیبه پیشین قرار گرفته و در دو سطر بهمان سبک منتهی با حروف ریز تر نگاشته شده است:

« قد تمت بعون الله وحسن توفيقه عمارة المسجد الذی جرى ان يكون الماصلة  
 « صلوة الله الجمعة بشرائطها فیضا هی المسجد الاقصى الذی بورك حوبی بها قطوبی ثم  
 « طوبی لمن رعى ترصیف بنیاتها و اركانها اعنی من عظم قدره بین اقرانه لازل کاسمه  
 « محب علی بیکالله و بمعماریه من کان فی العمل کالمهندسین و هو نادر الاوانی استاد »

## آثار ایران

« علی اکبر الاصفهانی شرف الله من يشرفه شرفاً جزیلاً کتبه محمد رضا الامامی ». در این کتیبه سال تاریخ ذکر نشده لکن بالصراحه از ختم ساختمان مسجد گفتگو میکند. در حاشیه بزرگ ایوان غربی آخرین سال تاریخی که بین سال تاریخ‌های متعدد دیگر راجع با تمام قسمتهای مختلف مسجد نوشته شده دیده میشود و آن عبارت از سنه ۱۰۴۰ هجری میباشد و بنا بر این میتوان ساختمان مسجد را در این سال ختم شده دانست. با وجود این در کتاب اولتاریوس این عبارت دیده میشود که در سال ۱۰۴۷ هجری یا ۱۶۳۷ میلادی نوشته شده است « در سمت جنوبی میدان این مسجد بحلل و نفیسی است که بامر شاه عباس ساخته شده و هنگامی که وی بدرود زندگانی گفت تقریباً با تمام رسیده بود اولکن در دوره ما نیز بامر شاه صفی در آن کار کردند و دیوارهایش را از مرمر پوشانیدند ۲ ».

از داستان سنک مرمرهای مسجد شاه اطلاع داریم، شاردن که در ضمن توصیف مسجد جامع عتیق از آن صحبت داشته است چنین مینویسد « این بنا داخل و خارج کاشیکاری است، نقوش کاشیها بسیار جالب توجه و درخشان است. فقط قسمت پائین دیوارها به بلندی هشت پا کاشی ندارد، از تخته‌سنگهای سماق مواج و مرمر پوشیده شده و این همان سنگهایی است که شاه عباس کبیر میخواست از محل خود برداشته و در مسجد سلطانی مورد استفاده قرار دهد . . . . . » (جلد هشتم صفحه ۲) و باز شاردن در باب مسجد شاه مینویسد: « میگویند چون باین زودی که شاه عباس میل داشت سنگهای مرمری که برای ساختمان مسجد شاه لازم بود آماده نمیشد لذا میخواست مرمرهای مسجد عمده شهر را که اکنون مسجد جامع عتیق مینامند از جای خود بردارد و اگر این نیت عملی میشد مسجد مزبور که از زیباترین مساجد کشور است و فضای آن از مسجد شاه هم بیشتر بود با وجود قدمتش هنوز هم بسیار زیبا است بصورت ویرانی میافتاد و لکن پپای شاه افتاده ویرا از این کار منع کردند . . . . . اتفاقاً در همان موقع از اردستان خبر آوردند که معادن سنک مرمر در آنجا یافته اند و در نتیجه این امر شاه مسجد عتیق را بحال خود

۱ - در سال ۱۰۳۸ هجری .

۲ - جلد اول اولتاریوس صفحه ۵۴۲ .

## اصفهان

کذاشت و چیزی بیخما از آنجا بر نداشت ، (جلد هفتم صفحه ۳۵۲) .

سر انجام بی آنکه مرمرهای اردستانرا در محل خود (مسجد شاه) مشاهده کند شاه عباس بدرد حیات گفت و پس از او مطابق آنچه اولتار یوس نقل نموده شاه صفی جانسین شاه عباس آنها را در محل خود نصب نموده عمل مزبور که تا سال ۱۰۴۷ هجری هنوز با تمام نرسیده بوده بدین ترتیب انجام گرفته است که تخته سنگهای نازک بلند را پهلوی هم قرار داده و روی دیوارها و جرزهای بنا نصب نموده اند و در هر حال کلمه ترصیف در کتیبه بی تاریخ درست حاکی از چین سنگها پهلوی یکدیگر است . بنا بر این بدیهی است مقصود انجام پی و پایه دیوارهای بنا است و در نتیجه مسلم است مسجدی که هنگام فوت شاه عباس تقریباً تمام بوده در سال ۱۰۴۰ هجری جزء بعضی قسمتهای جزئی کارهای دیگر آن خاتمه یافته است لکن تنها بعد از سال ۱۰۴۷ هجری (۱۶۳۷ میلادی) یا ظاهراً کمی پس از این تاریخ رو کاری مرمر قسمتهای پائین بنا با تمام رسیده و کتیبه دوم سردر احداث گردیده است . بعلاوه این سال تاریخی که تعیین شده کاملاً با اسم نویسنده کتیبه ها یعنی عماد رضا اعلمی وفق میدهد زیرا از این نویسنده تا کنون سی و نه کتیبه چه در اصفهان چه در قم و مشهد بین سالهای ۱۰۳۹ و ۱۰۸۶ هجری در دست میباشد .

پوشیده نماید که شاه سلیمان (۱۱۰۵ - ۱۰۷۷ هجری ۱۶۹۴ - ۱۶۶۷ میلادی) نیز ادعای تمام کردن مسجد معروف شاه عباس را نموده لکن این نیز داعیه است ناروا و از مواردی است که از الفاظ سوء استفاده کرده اند ، شاه سلیمان را نمیتوان بصرف اینکه دری فرعی در بنای مزبور گشوده است تمام کننده بنای مسجد شاه دانست و کتیبه ای که گواه این معنی است زیب پیکر سردری است که در وسط جانب جنوبی حیاط غربی مسجد واقع شده و متن آن بشرح ذیل است :

۱ هجری . بیت در صفحه ۵۶ رساله نمایشگاه ایران در سال ۱۹۳۱ گفته است دو ۱ به سر در استی مسجد شاه مربوط بیک زمان نیست راجع به کتیبه دوم می نویسد : این حاشیه که فاقد تاریخ است و کتیبه اولی که مورخ سال ۱۰۲۵ هجری میباشد مربوط بیک زمان بدست . کتیبه دوم به بنای نائب دیگری موسوم به محمد رضا الامامی است که نامش در مشهد در تاریخهای ۱۰۵۹ و ۱۰۸۵ هجری (بر برخی کتیبه ها) خوانده میشود .

اثار ایران

« قد تمت الجامع الكبير الاعظم الشاهي العباسي الصفوي في زمن دولت السلطان »  
 « الاعظم والخاقان الاكرم مالك رقاب الامم مولى ملوك العرب والعجم مروج مذهب الائمة »  
 « المعصومين عليهم السلام السلطان بن السلطان ابوالمظنر شاه سليمان الموسوي الحسيني »  
 « الصفوي بهادر خان خلد الله ملكه و سلطانه و افاض على كافة العالمين عدله واحسانه »  
 « لازالت رقاب اعظام الخواقين خاضعة على بابه و مغفرة بتراب اعتابه في الف و سبعين »  
 « و ثمان كتبه محمد رضا الامامي . »

در بالای کتیبه فوق این عبارت در دو لوحه کوچک نوشته شده است :

عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم البناء الاصفهانی :

بر حاشیه بالای ایوان جنوبی مسجد تاریخ ۱۲۶۱ (۱۸۴۵ میلادی) موجود است .

این تاریخ مربوط به تعمیری است که بر اثر حدوث زمین لرزه در زمان محمد شاه قاجار بعمل آمده ، زمین لرزه مزبور بنای ایوان فوق را از هم متلاشی ساخت ، راست است باعث این خرابی زمین لرزه بود ولی علت اساسی آن چیز دیگری است .

بطوریکه پیش گفته اند شاه عباس میل به ساختمان زیاد داشت و لکن برای اینکه بتواند از عهده این ساختمانها بر آید کارها را به ارزانترین بهای ممکن انجام میداد و بعلاوه شتاب زدگی فوق العاده وی مانع از این بود که فرصت کافی بمعماران بدهد کارشان را خوب به انجام برسانند ، باصطلاح دنیا پس هر گه وی چه دریا چه سراب .

مثلا ایوان بزرگ مسجد شاه نمونه ایست از ساختمانهای دوره شاه عباس چون بنیاد و شالوده بنا غیر مکفی و بی ترتیب است دیوار نما نشست کرد ، دو سمت آن از یکطرف زیر بار مناره ها واقع شده و از طرف دیگر فشار رومی بزرگ ایوان نیز روی آن بود و در نتیجه از قسمتهای مجاور خیلی سنگین تر شده و بهمین علت بیشتر بزمین فرو رفت و رو به بیرون متمایل شده سینه داد .

از اینرو شروع کردند بتراشیدن و کندن و خراب کردن قسمت عمده بنا و لازمه اینکار خرابیهائی بود که پیش آمد منتهای عیب آن فوراً نمودار نشد زیرا قسمتهای مختلف این بنای آجری باندازه ای متناسب و استوار بهم پیوسته و درهم کلاف شده است

## اصفهان

اگر تا مدت مدیدی در مقابل این تلاشهای غیر طبیعی استقامت نمود لکن بطور یقین این قسمت مسجد از زمان شاه عباس بعد رو به تلاشی شدن میرفته است .

در زمان سلطنت محمدشاه زمین لرزه مسجد را تکان داد و لرزش آن بر علق خرابی ایوان افزود . آجرها از هم در رفت و شکافهای عریضی تولید گشت ، دو مناره بکلی از بنا جدا شد ، محمدشاه همینقدر باین کار اکتفا نمود که بجای کاشیهای فرو ریخته و خرد شده روی بنا کاشیهای نو بگذارد و در بالای آن کتیبه بتاریخ ۱۲۶۱ هجری نصب و افتخار تعمیری را که انجام نداده بود برای خود قائل شود .

در بهار سال ۱۳۱۱ آجرهای دیگری شکست و شکافهایی را که گرفته از نظر نهان کرده بود بزرگ شد ، همه ساختمان بطور خطرناکی از هم در رفت ، تعمیر آن دو سال بطول انجامید و مستلزم کارهای سخت و مشکلی بود که انجام شد و در اینجا لازم است ، از زحمات استاد حسین معارفی معمار باشی وزارت فرهنگ در اصفهان قدر شناسی کنم .

بعملی نظیر آنچه گذشت و خرابیهائی شبیه ایوان بزرگ در قسمتهای دیگر بنا پیدا شده که محتاج بتعمیر است این تعمیرات بنسبت فوریت هر مورد و میزان اعتبارات موجود انجام شده و خواهد شد .

بر حسب یکی از کتیبه های سردر مسجد شاه که ذکر آن گذشت مسجد شاه مسجد جامع است و بموجب کتیبه دیگری شایستگی مسجد جمعه بودن را دارد .

زمان مسافرت فلاندن<sup>۱</sup> نیز مسجد جمعه نامیده شد و اولناریوس آنرا مسجد مهدی صاحب الزمان خوانده است زیرا مشار الیه مینویسد که : « این مسجد وقف بر مهدی امام دوازدهم از اولاد علی<sup>ع</sup> است که شاه عباس عقیده خاصی بوی داشته و بهمان جهت مساجد دیگری منتها کوچکتر بافتخار همین امام در تبریز و سایر نقاط کشور بنا نموده است<sup>۲</sup> » مسجد مزبور در آن زمان یکی از عجایب و نفائس عصر بوده و فی الواقع

۱ - سفرنامه ایران تألیف ا. فلاندن جلد اول صفحات ۲۸۵ و ۳۴۳ و ۳۴۸ .

۲ - جلد اول اولناریوس صفحه ۵۳۲ .

## آثار ایران

بواسطه زیبایی نقشه و عظمت ابعاد و منظره باشکوه کاشیکاریها شایستگی این مقام را داشته و چنین است این بنا با همه تر کھائی که برداشته و کاشیهائی که بکمترین وزش باد چون تگرگ فرو میریزد چه اندازه زیبا و مشخص ترین نمونه بناهای عهد سلطنت شاه عباس بشمار میرود. این بنا پایان صنعت عهد صفوی را نشان میدهد، در اینجا صنعت صفویان باوج ترقی خود رسید و از همین جا شروع بانحطاط نمود.

شاردن و فلاندن و زاره بتفصیل شرح آنرا داده و کوست و تکسیه نقشه آنرا

رسم نموده اند.

کاخ چهلستون<sup>۱</sup>

درست نمیدانم در چه موقعی از زمان سلطنت شاه عباس دستور ساختمان کاخ

۱ - در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ( ۶ ژانویه ۱۹۳۲ ) در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. کتب و مراجع اطلاع مربوطه به چهلستون بشرح ذیل است :

مقاله اصفهان در زمان سلطنت شاهان بزرگ بقلم ا. بودوان در مجله اوربانیسم جزوه شماره ۱۰ صفحات ۲۵ - ۲۴ و ۲۷ و ۲۹ و ۳۱ ، یکسال میان ایرانیان تألیف ا. براون صفحه ۲۱۸ ، سفرنامه شوالیه شاردن ، . . . . . جاب ز. لانگلس جلد هفتم صفحه ۳۸۰ - ۳۷۷ ، اینه جدید ایران نگاشته ب. کوست صفحه ۳۲ - ۳۱ نقشه های ۴۳ - ۴۱ ، مقاله ایران و عیلام و کلمه بقلم ژ. دیولا فوا در مجله دور دنیا سال ۱۸۸۶ شماره دوم صفحه ۱۳۲ ، صنایع منل اسلامی تألیف ادیزر ، صفحه ۱۸۲ ، مسافرت بایران ایران جدید اثر ا. فلاندن و ب. کوست نقشه ۵۱ ، سفر نامه ایران نگارش ا. فلاندن جلد ۲ صفحه ۴۱-۳۹ ، صنعت ایران تألیف ا. گایه صفحه ۸-۱۸۴ ، صنعت اسلام گرد آورده ه. گلوک و ا. دیزر صفحه ۵۵۰ شکل ۱ - ۳۰۰ نقشه ۱۵ ، ایران در گذشته و حال اثر ویلم جکسون صفحه ۲۶۷ ، سفرهای گرجستان و ایران و ارمنستان و بابل قدیم نگارش سیر رابرت گریتر جلد اول صفحه ۴۱۲ و ۴۱۵ ، رساله صنعت اسلامی تألیف ژ. میزون جلد اول صفحه ۱۹۲ ، در آسیای مسلمان بخامه م. پرنو صفحه ۱۰۴ ، تاریخ صنعت در قدیم نگارش ژ. پرووش . شی پیه جلد پنجم ایران صفحه ۵۰۳ ، رساله صنعت اسلامی فسیت معماری بقلم ه. سالادن صفحه ۱۷-۴۱۳ ، آثار ساختمانی ایران تألیف ف. زاره صفحه ۹ - ۸۶ شکل ۱۱۶ - ۱۱۱ نقشه های ۶۸ و ۶۹ ، تاریخ ایران نگاشته پ. م. سایکس جلد دوم صفحه ۲۰۰ ، مسافرنهای ۶ گانه ژ. ب. تاورنیه چاپ پاریس ۱۶۷۹ صفحه ۵۲۷ ، شرح ایران و ارمنستان و بین النهرین اثرش . تکسیه جلد اول صفحه ۱۶۴ نقشه های ۷۵ - ۷۳ .



## اصفهان

چهلستون داده شده است لکن پیتر و دولاوله که از چند فقره پذیرائیهای شاه حکایت کرده و ضمناً از شرح دادن عجایب و نفایس اصفهان خود داری نداشته از این کاخ ذکر نمی‌نموده است. بدون شك از این مطلب میتوان نتیجه گرفت که دیوانخانه جدید تا سال ۱۰۲۶ هجری هنوز مورد استفاده نبوده و بنا بر این به دوین برنامه کسارهای شاه عباس تعلق دارد.

اولتاریوس در سال ۱۰۴۷ (۱۶۳۷ میلادی) با سایر کارمندان (اعضاء) سفارتی که بدان وابسته بود از طرف شاه صفی در تالار طویلله باریافت. تالار مزبور متعلق بزمان شاه طهماسب بود و شاه سلیمان نیز در آنجا تاجگذاری نمود و لکن کمی بعد بنائی که امروز بتالار اشرف مینامند جانشین آن گردید. بطوریکه اولتاریوس نقل میکند پادشاه در هر کجا بوده همانجا پذیرائی مینموده است، بنا به گفته وی «آداب و رسوم ایران بهیچ روی با ترتیبات مسکو تطبیق نمیکند. در مسکو دولت بزرگ برای باریافتن سفراء، تالار مخصوص دارد و حال اینکه شاه ایران در هر مکانی که اتفاقاً برای کارهای خود یا برای تفریح آمده باشد سفراء را در همانجا باری میدهد».

تاورنیه ضمن شرح مسافرتهاش مینویسد که مرتبه ششم در ۲۰ دسامبر ۱۶۶۴ یعنی در سال ۱۰۷۵ هجری وارد اصفهان شد و چندین بار شاه و پسران او بحضور پذیرفت و نیز تعریف میکند که شاه عباس دوم در کاخ چهلستون به سفیر ازبکان باری داد. از طرف دیگر شاردن نیز چنین تعریف میکند که: «بزرگترین و باشکوهترین قسمت تمام قصر را چهلستون مینامند». توصیفات این دو مؤلف امروزه نیز تاها لا حدیق میکند و میتوانیم گفته کوست را در اینه و ضوع باور نکنیم، آنجائیکه مینویسد: چهلستون «مطابق آنچه کروزینسکی کشیش تعریف کرده در زمان شاه سلطان حسین سوخته است و بنائی که کروزینسکی تعریف کرده بنای فعلی نیست» و همچنین عقیده مادام دیولوفوارا نمیتوانیم در این باب قبول کنیم آنجائیکه مینویسد «عمارت چهلستون که توسط شاه سلطان حسین ساخته شده ظاهر آرومی شالوده و طرح قصر شاه عباس بنا گردیده است . . . .» اینجانب شخصاً ضمن تعمیر قسمت بالای بناهای سوخته‌ای مشاهده نمودم که گفته

۱ - سفرنامه ادم اولتاریوس ترجمه ۱ - دو ویکتورز جلد اول صفحه ۴۹۰ -

۲ - مسافرتها شش گانه ژ. ب. تاورنیه چاپ پاریس ۱۶۷۹ -

## آثار ایران

کروزینسکی را تأیید و ضمناً این مطلب را نیز ثابت مینماید که کاخ کنونی ناقص‌های باله همان بنای شاه عباس اول میباشد. عمارت مزبور بر اثر حادثه شوم آتش سوزی فقط تعمیر شد، مطابق آنچه از روی نقاشیها، یکبار بعد از احداث گشته معلوم میشود پنجره‌ها سدود گردیده و مجلس‌های بزرگ نقاشیهای تاریخی تالار اصلی گویا از حریق آسیبی ندیده، مجالس کوچک نقاشی در پائین مجلس‌های بزرگ بامتداد یکدیگر قرار گرفته و متعلق بزمان شاه عباس اول است. درست تر گفته باشیم این مجالس کوچک آنزمانی که وجود داشته متعلق بزمان شاه عباس بوده زیرا در ده سال پیش بعنوان تعمیر و صالی و سرهم بندی و ضایع و خراب شده است. این نقاشیهای دلربا را که باین ظرافت بسبک نقاشیهای عالی قاپو و بعضی جاهای دیگری که آثار آن هنوز در ایوانهای جنبی چهلستون باقی است (شکل ۳؛ اصل فرانسه) ترسیم کرده بودند نه فقط بقول ر. گالونو بطرز زحمت و خشنی «تعمیر گشته» از همه بدتر رنگ روغنی که هنگام تعمیر در آن بکار برده اند هم اکنون پوسته انداخته و مانند خورده نجاری ورقه ورقه جدا میشود «عجب فکر و سلیقه خوبی! نتیجه این سلیقه گج آنستکه چنین مجلسهای تاریخی بطور علاج ناپذیر و غیرقابل جبرانی از بین رفته و خراب شده است.

## قیصریه ۲

فرمان احداث این سردر از طرف شاه عباس در همان موقع احداث سردر

- ۱ - ر. گالونو مقاله راجع به حالت فعلی بعضی ابنیه صنعتی و باستانی ایران در نشریه اکادمی علوم اتحادیه جماهیر شوروی و سوسیالیستی راجع به تجلیل و تقریظ کتب منتشره.
- ۲ - در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ (۶ ژانویه ۱۹۳۲) در فهرست آثار منی ایران به ثبت رسیده است. کتب و مراجع اطلاعات مربوطه بآن بشرح ذیل است: مسافرتهای شوالیه شاردن . . . . . چاپ ل. لانگلس چند هفتم صفحه ۱۴۱ جلد هشتم صفحه ۳۵۶ و ۳۳۸، ابنیه جدید ایران نگارش پ. کوست صفحه ۳۳ نقشه ۴۵ (بازار خیابانها)، ایران در گذشته و حال تألیف ویلیم جکسون صفحه ۲۶۷، بسوی اصفهان پنجاه پ. لوتی صفحه ۲۲۷، مسافرت آدم اوئاریوس . . . . . ترجمه ا. دوویکفور جلد اول صفحه ۵۳۶ و ۵۲۹، مسافرتهای بیترود و لاواله چاپ پاریس سال ۱۶۱۴ جلد دوم صفحه ۴۴، آثار ساختمانی ایران بقلم ف. زاره صفحه ۸۲ شکل ۱۰۵ نقشه ۶۵، مسافرتهای ششگانه ژ. پ. تاورنیه چاپ پاریس سال ۱۶۷۹ صفحه ۴۵۰ - ۴۴۹، مسافرت مسیو تونوبه بمشرق زمین چاپ امستردام سال ۱۷۲۷ جلد سوم صفحه ۲-۲۷۱.

## اصفهان

مسجد شاه که روبروی هم واقع گشته‌اند صادر گردید و این بنای تاریخی در ابتدا جز در بزرگ و رودی بازار چیز دیگری نبود و در آنموقع از خود قیصریه که بنا بگفته اسکندر منشی در سال ۱۰۲۹ (۲۰ - ۱۶۱۹ م.) ساخته شده هیچ گفتگویی در پیان نبوده است.

سردر مزبور که با نقاره خانه هیئت واحدی را تشکیل میدهد در سال ۱۰۲۶ (۱۶۱۷ م.) با تمام رسیده و در همان زمان پیتروود و لاواله درباره آن چنین نوشته است: «در سمت بازار دورنمای ساختمان زیبایی دیده میشود که با این مسجد (مسجد شاه) فرینه است این بنا عبارت است از دو ایوان که روی چهارطاقی ساخته شده است ۱» و در این ایوانها هر روز غروب دوار کستر با آلات موسیقی جنگی به ساز و نواز مشغولند.

سردر مزبور با کاشیکاری معرق بسیار نفیس آراسته شده، موضوع عمده تزیینات تصویر برج قوس است، چون تمام مؤلفین مشرق زمین در ذکر ساعت احداث شهرها دقت دارند و از طرفی ایجاد شهر اصفهان را در برج قوس میدانند لذا شکل ستاره قوس را بر روی نمای قصر و بازار شاهی نموده‌اند لکن خاوریان مانند ما قوس را بصورت نیمه آدم و نیمه اسب نمیکشند بلکه ستاره مزبور را بشکل نیمه انسان و نیمه پیری که دمش مار بزرگی است و ستاره قوس پیکانی بدهان آن مار میاندازد ترسیم میکنند ۲.

در عقب طاق بزرگ نمای سردر و بردیوارهای بالا و طرفین درب بازار «یکی از جنگهای شاه عباس کبیر با ازبکان نقاشی شده است و در بالا و پائین صورت اروپائیان را کشیده‌اند که زن و مرد سر میز گرد آمده جام یاده در دست و بعیش و عشرت مشغول و سرمست اند ۳» این مجلسهای خا کستری رنگ که بد نقاشی شده و متعلق بزمان شاه عباس نیست و محتمل است مانند نقاشیهای تالار عالی قاپو که ذکرش گذشت در زمان سلطنت یکی از جا نشینان شاه عباس کشیده شده باشد.

۱ - جلد دوم پیتروود و لاواله صفحه ۴۲ .

۲ - جلد هشتم شاردن صفحه ۱۴۱ .

۳ - جلد هفتم شاردن صفحه ۳۵۶ .

## آثار ایران

در عقب سر در بازار شاهی یا باصطلاح معروف « قیصریه » است<sup>۱</sup> که در سال ۱۰۲۹ (۱۶۱۹ م.) بنا گردیده است این بازار « بزرگترین و باشکوهترین بازارهای اصفهان است، بهترین پارچه‌ها را در آنجا می‌فروشند، روی آن با سقف پوشیده شده، وسط بازار محوطه بزرگ دایره‌مانندی است که گنبد بسیار بلندی چون سقف خود بازار بر آن زده شده و سمت راست آن ضرابخانه و در جانب دیگر آن کاروانسرای باشکوهی موسوم به کاروانسرای شاه قرار گرفته است و این کاروانسرا را از آنرو کاروانسرای شاه خوانند که جزء املاک شاه است. این کاروانسرا در دو طبقه اطراف حیاط بزرگی ساخته شده و بیش از یکصد و چهل حجره دارد. دو بنای فوق‌دارای سردرهای بزرگی است که از حیث هیئت و ساختمان با سردر بازار شاهی یکی است<sup>۲</sup>.

این بازار بزرگ با گنبد و سطحش اکنون نیز وجود دارد<sup>۳</sup> لکن بکلی شهرت و جلوه و رونق پیشین خود را از دست داده است. تجارت از آنجا خارج گشته و شخص تماشای امروز تنها در « یکقسم دالانی » گردش میکند که اولتاریوس راجع بآن در سال ۱۰۴۶ (۱۶۳۷ م.) می‌گفته است: « گرانترین پارچه‌ها و اجناس تمام کشور را در آنجا می‌فروخته‌اند و بقدری دکانهای مختلف و فراوان با هر گونه متاع در این مکان وجود داشته است که نادرترین اشیاء دنیا در این بازار پیدا میشود<sup>۴</sup> »

۱ - شاردن سر در را قیصریه نامیده و بازار را بدین اسم نخوانده است و راجع بآن چنین مینویسد: عباس کبیر این اسم را باین سردر بدان سبب داد که دستور داده بود آنرا بسبک سردر در شهر قیصریه بسازند. ل. لانگس در حاشیه چنین گوید که « بنا بر تحقیقات سپلس‌بوی در شهر قیصریه » بجز قطعات پراکنده مرمر و سنگ خارا که تنها آثار عظمت گذشته این شهر میباشد چیز دیگری دیده نمیشود « جلد هفتم کتاب شاردن صفحه ۳۵۹ رجوع فرمایند .

۲ - جلد هفتم شاردن صفحه ۳۵۹ .

۳ - برای ملاحظه نقشه آن که توسط ا. بودون ترسیم گردیده به مجله اوربانیسم جزوه شماره ۱۰ صفحه ۵ - ۲۴ مراجعه گردد .

۴ - جلد اول اولتاریوس صفحه ۵۳۶ .

اصفهان

## مسجد باغ حاجی

این مسجد کوچک که اسم آن بمناسبت باغی است که در مجاورت آن واقع شده باغ حاجی قاسم نام دارد اکنون ویرانه ایست ، جز سردری که کتیبه ذیل از زمان شاه عباس اول بر آن خوانده میشود چیز دیگری از آن باقی نمانده است:

«فی ایام خلافة السلطان الاکرم والخاقان الاعظم مالک رقاب الامم مولی»  
 «ملوک العرب والعجم ابوالمظفر شاه عباس الحسینی الصفوی بهادر خان خلدالله ظلّه»  
 «بتوفیقات ملک سبحانی بنا کرد این مسجد از توفیق آثار خواجه روح الله بن نور»  
 «قراهانی در سنه هزار و سی و سه کتبه محمد منیر بن انخی».

مدرسه ملا عبدالله<sup>۱</sup>

این مدرسه بیگمان همان مدرسه عبدالله بزرگترین و باشکوه ترین مدارس اصفهان است که شاردن از آن صحبت داشته و «مدیر» آن مدرسه در زمان وی محمد باقر بوده که عالمترین شخص عصر خویش خصوصاً در فقه و اصول و آیهیات بوده و درجه اجتهاد داشته است<sup>۲</sup>.

این بنا سال تاریخ ندارد لکن از روی تزیینات آن که از کاشی معرق است میتوان ساختمانش را بزمان شاه عباس اول نسبت داد. کاشیهای دری که بعداً بطرف بازار گشوده شده مورخ بسال ۱۲۱۸ ( ۴ - ۱۸۰۳ م ) است. در ایوان جنوبی بردیوار سمت مغرب رقف نامه‌ای بسال ۱۰۸۸ ( ۸ - ۱۶۷۷ میلادی ) که زمان سلطنت شاه سلیمان باشد بردیوار دیده میشود ( شکل ۴۴ اصل فرانسه ) ، مضمونش اینست که شخص میرزا محمد نام سه باب دکان برای یکسقا خانه وقف کرده و دانشجویان مدرسه ملا عبدالله را ناظر در آمد این دکانها قرار داده است.

۱ - در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۱۳ ( ۱۳ دسامبر ۱۹۳۴ ) در فهرست آثار منی ایران به بیت رسیده است.

۲ - سفر نامه شوالبه شاردن . . . . . ج ۱ - لانکس جلد هفتم صفحه ۴۶۳ .

در سال ۱۱۵۸ هجری تعمیراتی در مدرسه مزبور بعمل آمده است .

## مقبره بابا رکن الدین

این بنا در ساحل راست زنده رود در قبرستانی که امروزه تخت پولاد می نامند واقع گردیده لکن در زمان شاردن قبرستان و همچنین پل خواجو را بنام بابا رکن الدین می خوانده اند . بنا بگفته شاردن اسم بابا رکن الدین که باین پل می دهند نام قبرستانی است که یکی از بزرگترین و معروفترین قبرستانهای اصفهان میباشد . این اسم متعلق به درویشی است که از قدیم به بزرگی و تقدس مشهور گشته و در بقعه بلندی از سنگ مرمر در این قبرستان مدفون است . بقعه مزبور دارای کتبی است که درون و بیرون آنرا از کاشی پوشانیده اند، این مکان را بابا رکن الدین می گویند . بامر شاه عباس اول این مقبره برای خوش آیند مردم اصفهان که پیوسته به بابا رکن الدین علاقه و اعتقاد زیادی داشته اند ساخته شده است . هر کس از شیراز با اصفهان بیاید این بنا را از مسافت خیلی دور چون غروط بزرگی می بیند .

مقبره بابا رکن الدین در دامنه تپه ای واقع گشته که جاده شیراز پشت آن ناپدید میگردد و هنوز هم از مسافت زیاد چون غروط بزرگی است که بر وسیع ترین قبرستان شهر مشرف و مسلط میباشد لکن دیگر مثل سابق ( درون و بیرون آن از کاشی پوشیده نیست ) از کاشیهائی که زینت بخش مقبره این درویش بزرگوار بوده ، جز کتیبه زیبای دهلیز مدخل بقعه و کاشیکاریهای چهار بدنه از ده بدنه بام هرمی شکل آن چیز دیگر باقی نمانده است . باصورت فعلی هنوز هم یکی از زیباترین ابنیه عهد صفوی

۱ - در تاریخ ۹ مرداد ماه ۱۳۱۲ ( ۳۱ ژانویه ۱۹۳۳ ) در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است .

فهرست مآخذ سفر نامه شوالیه شاردن . . . . . چاپ ل . لانگس چند هشتم صفحه ۹۲ ، مسافرت دوم به ایران . . . . . نالیف ژ . موریه ترجمه فرانسه چاپ پاریس ۱۸۱۸ جلد اول صفحه ۳۲۸ .

## اصنهان

بشمار میرود ، لطافت و ظرافت و صحت کامل بتناسب جزء و کل بنا و کیفیت بدیع نقشه پنج تر کی آن ( شکل ۵۴ اصل فرانسه ) نشان میدهد که بامراقبت خاص انجام گرفته است ، بعلاوه بنای مزبور به خرج خود شاه عباس ساخته شده و در کتیبه دهلیز مدخل مقبره « بقعه الملکوتیه » خوانده شده است . متن کتیبه مزبور ذیلا نقل میگردد :

« بتائید الواحد الباقی قدار تقع عمارة هذه البقعة الملکوتية بامر دولة کاب علی بن «  
 « ایطالب صلواة الله وسلامه علیه عباس الحسینی بهادر خان خاندان الله ملکه و سلطانه الی «  
 « يوم القيامة تمت بامر واهتمامه بحسن الانقياد والامر لله تعالى ۱۰۳۹ کتبه الفقیر محمد «  
 « صالح الاصفهانی المولوی » .

نقشه بنا بصورت پنج گوش است که دهلیزی بیک سمت آن افزوده شده محور اصلی بنا درست باقبله تطبیق میکند . روی قسمت پنج ضلعی بنا بدنه بلندی است که آن نیز کثیر الاضلاع و منتها دارای ده پهلو است ، روی این بدنه ده ضلعی بام است که گنبد درونی را میپوشاند و در سابق کاشیهای ظریفی بانقشه و رنگهای آبی لاجوردی و سیاه و سفید روی متن آبی آسمانی زیب پیکر بنا بوده است ( شکل ۴۷ اصل فرانسه ) .

در درون بنا پنج طاقنمای بزرگی اطراف شبستان مرکزی واقع شده است ، بابا رکن الدین در یکی از طاقنها مدفون و آن طاقنما بوسیله پنجره چوبی مسدود میباشد ، در طاقنماهای دیگر دو قبر بی اسم دیده میشود و در سایر طاقنماها چیزی نیست .

یک لوحه سنگی در پائین قبر بابا رکن الدین سرپا نصب گردیده و کتیبه زیرین را دربر دارد :

« هذا قبر حجة الاولياء العارفين قطب الاتقياء الصالحين قدوة العشاق والذاكرين «  
 « كهف الموحدين والمحققين السالك مسالك ائمة المعصومين والعارف بالحقایق الربانية «  
 « الواقف بالدقائق الملکوتية الطائر بفضاء الالهية مهبط الانوار و مخزن الاسرار نفخة «  
 « العطار و مقام الشطار و محل الاستغفار ركن الشريعة والطريقة والحقیقة العرفان «  
 « بابا رکن الدین مسعود عبدالله الیضاوی ۱ و قد توفي يوم الاحد من السادس والعشرين «  
 « من شهر ربيع الاول سنة تسع و ستين و سبعمائه «

۱ - یضا نام یکی از دهستانهای نزدیک شیراز است

## مقبره معروف به سستی فاطمه ۱

همینکه از راه قم باصفهان وارد میشویم در سمت چپ جاده بنائی است که بنام سستی فاطمه ساخته شده، پهلوی آن ساختمان کوچک بی پیرایه‌ای وجود دارد که مدفن سه تن از نوادگان شاه عباس اول است. این سه شاهزاده هر سه پسران شاهزاده خانم زبیده بیگم و عیسی خان صفوی ۲ بوده و هر سه در سال ۱۰۴۱ (۲ - ۱۶۳۱ م.) بدرود حیات گفته اند ۳. در اینجا قبر دختری دیده میشود که او هم نوه شاهزاده خانم زبیده بیگم بوده و در سال ۱۰۷۲ (۲ - ۱۶۶۱ م.) وفات یافته است، تاریخ سنگ قبر وی ۱۰۴۱ هجری و کتیبه آن بخط خطاط معروف محمد رضا امامی است. خود بنا در سال ۱۰۶۷ (۷ - ۱۶۵۶ م.) ساخته شده است، اینک متن کتیبه‌های قبور فوق‌الذکر که معرف صاحبان آنها است ذیلا نقل میگردد:

« وفات سیادت و نجابت پناه سید علیخان ابن رحمت پناه رضوان آرامگاه عیسی »  
 « خان الصفوی الموسوی قره‌العین نواب شاهزاده کی زبیده بیگم بنت شاه جنت مکانی »

۱ - در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۱۳ (۱۳ دسامبر ۱۹۳۴) در فهرست آثار ملی ایران به بیت رسیده است.

۲ - شاهزاده خانم زبیده با اسحق خان در تاریخ ۲۲ ذی القعدة سن ۹۹۴ (۱۵۸۶ م.) ازدواج نموده، رجوع شود بر ساله تاریخ شناسی نالیف ۱. دوزامبور صفحه ۲۶۲.

۳ - « هنگامیکه شاه بنخت مینشیند معمولا شروع میکنند بر اینکه خاطر خویش را نخست از جانب برادران خود آسوده سازد و هر قسم اراده‌اش اقتضا نماید آنان و اطفالشانرا یادر بند مینهد و یا کور میکند یا از زندگی محروم می‌سازد، (سفرنامه شوالیه شاردن . . . . . حاب لانگس جلد پنجم صفحه ۲۴۸) »

شاه صفی در سال ۱۰۳۸ هجری بنخت نشست « شهریار جدید لقب شاه صفی را بخویش داد و سلطنت ۱۳ ساله او فصلی است طولانی که سرانای آن داستان اعداء اشخاص است، این شخص شاهزادگان خاندان سلطنتی و همچنین جنده‌تن از شاهزاده خانمها را بکشت . . . . . (تاریخ ایران نگارش سریرسی سایکس جلد دوم صفحه ۳۰۹) »

۴ - بهشت مسلمین شامل طبقات است و جایگاه علیین مخصوص اشخاصی است که پیش از دیگران شایستگی دارند.



اصنهان

« علیین آشیانی شاه عباس صفوی موسوی حسینی انارالله برهانه فی احدی و اربعین و »  
« الف ۱۰۴۱ »

« وفات سیادت و نجابت پناه نواب محمد معصوم میرزا ابن مرحمت پناه عیسی خان »  
« صفوی موسوی حسینی قره العین نواب شاهزاده کی زبیده بیگم بنت شاه جنت مکانی »  
« علیین آشیانی شاه عباس صفوی موسوی حسینی انارالله برهانه فی احدی و اربعین و »  
« الف ۱۰۴۱ »

« وفات سیادت و نجابت پناه نواب محمد خان ابن رحمت پناه عیسی خان صفوی »  
« الموسوی الحسینی قره العین نواب شاهزاده کی زبیده بیگم بنت شاه جنت مکان شاه »  
« عباس صفوی الموسوی الحسینی انارالله برهانه فی احدی و اربعین الف ۱۰۴۱ »  
« وفات مرحومه مغفوره بدرجهان بیگم بنت نواب مرحمت پناه سید محمد خان »  
« الموسوی الحسینی قره العین نواب شاهزاده کی زبیده بیگم بنت جنت مکانی شاه عباس »  
« صفوی موسوی حسینی انارالله برهانه اثنا و سبعین الف ۱۰۷۲ »

## مسجد شعبیا و امامزاده اسمعیل<sup>۱</sup>

بفاصله کمی از مسجد جامع نخله ایست معروف به نعله امامزاده اسمعیل . در اینجا يك عده ابنیه واقع گشته که خیلی جالب توجه و مورد تکریم و احترام مخصوص مردم است ، يك چهار سوق یعنی یکی از آن سقفهای معظم که در نقاط متعدد شهر بر سر چهار راه ها ساخته شده در آنجا وجود دارد که سه جانب آن سه گذر و سوی دیگر آن صحن مدرسه است ، در سمت جنوب صحن مزبور يك مسجد کوچک (شکل ۸؛ اصل فرانسه) و امامزاده اسمعیل (شکل ۹؛ اصل فرانسه) واقع شده و این دو بنا در محل مسجد کهنه تری

۱ - در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ( ۶ ژانویه ۱۹۳۲ ) در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است .

مآخذ و مراجع ، سفر نامه هر تسفاند در مجله انجمن کشورهای سواحل شرقی بحر الروم - سال ۱۹۳۶ صفحه ۲۳۷ ، مقاله مناره های اصفهان بقلم م ب . سمیت در جزء ۲ جلد ۱ آثار ایران .

### آثار ایران

احداث گردیده که از آن جزبندۀ ناقص يك مناره و چند طاق ضربی ویران چیز دیگری برجا نمانده است .

نمیدانم درست آنچه در این ابنیه روی داده فهمیده ام یا خیر، بناهای مزبور بسیار درهم و برهم و ساختمان روی ساختمان احداث گردیده است، در هر حال اینست آنچه بتصور خویش مشاهده نموده ام و برای بررسی دقیقتری ممکن است مورد استفاده قرار گیرد .

منشاء تمام این بناها وجود مقبره شیخ پیغمبر بنی اسرائیل بنظر میرسد . آرامگاه مزبور را مقابر دیگر احاطه کرده و در ویرانه های مسجد قدیمی عقب بنای امامزاده اسمعیل واقع گردیده است . مرقد کنونی قدیمی نیست و بنای آجری منشوری شکلی است که روی آنرا از گچ اندود نموده اند و درون ضریح چوبینی جای دارد . عرض مرقد يك متر و بلندی آن تقریباً ۱/۷۰ متر میباشد و بر روی جانب اصلی آن کتیبه زیرین خوانده میشود :

« وجدنا فی کتاب اصفا ۱ ان اول مسجد کبیر بنی باصفهان مسجد شیخ و بناه »  
 « ابوالعباس المفتی فی زمان علی صلوات الله علیه و عمر الب ارسلان بعدنیف و خمس مائه »  
 « بعده غلبنا و بقوه و قد امر بعمارته فی عام احد عشر و مائه و الف و بعبارة اخرى هی »  
 « مرقد شیخ النبی علیه السلام علی نقی الامامی ۱۱۱۲ »

لکن از مسجد اولیه که در ابتدای دوره اسلام ساخته شده ۲ هیچ چیز باقی نمانده است که ظاهر باشد . مناره و طاقهای مجاور آن مربوط بعهد سلجوقی و شاید متعلق به زمان الب ارسلان باشد لکن . ب . سمیث منار مزبور را بقرن شش هجری نسبت میدهد ۳ . قدیمترین سال تاریخی که در این ساختمانها وجود دارد تاریخ سنگ قبری است که ظاهراً در بقعه کوچکی بوده و آن بقعه در موقع ساختمان امامزاده اسمعیل خراب

۱ - کتاب اصفا تفسیر قرآن و تألیف ملا محسن است .

۲ - اگر عبارت کتیبه فوق را بخواهند مدرک قرار دهند بنای مسجد حتی به بیش از اسلام تعلق پیدا میکند زیرا الب ارسلان در سال ۴۶۵ هجری درگذشته است .

۳ - آثار ایران جز - دوم جلد اول صفحه ۱۶۷ .